

حقیقت

نشریه روزانه هشتمین جشنواره بین المللی فیلم مستند ایران / سینما حقیقت - شماره اول - یکشنبه ۹ آذر ماه ۱۳۹۳

CINEMA VERITE IRAN INTERNATIONAL DOCUMENTARY FILM FESTIVAL.No.1.SUN,30TH NOV.2014

1 CUT

پرونده امروز

نمایش های ویژه جشنواره

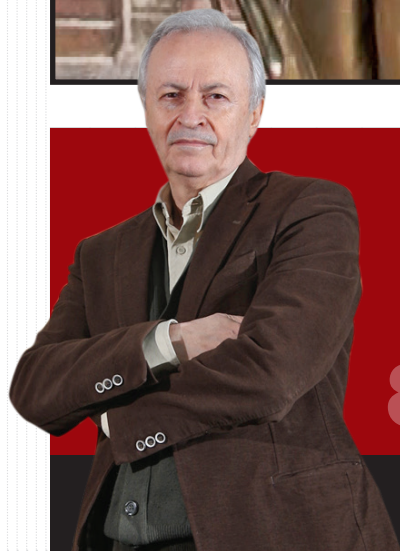
گردهمایی باشکوه



آغاز جشنواره با سردار ملی

نتیجه ستار خان مهمان ویژه روز اول جشنواره فیلم سینما حقیقت

سامی سردار ملی در کنار مجسمه جادوگر ستار خان



نمی توانم از مستند جدا شوم

گفت و گوی شمیم مستقیمی با ابراهیم مختاری مستندساز

8

بوی خوش تدبیر و امید

در بخش بین الملل جشنواره چه خواهیم دید؟

14

داوری اشتباه یعنی آدرس غلط به فیلمساز

باسید محمد مهدی طباطبایی نژاد دبیر جشنواره حقیقت

4

انسان در مسیر شدن

پیام وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به هشتمین جشنواره بین‌المللی «سینما حقیقت»



از شک و تردید رها شده و اطمینان قلب می‌یابد و این هنرمند فرهیخته مستندساز با چشمانی باز می‌شود سید شهیدان اهل «قلم» سیدمرتضی آوینی که او دیگر یک غریبه نیست. از جنس آشنایی قدیمی است که همه چیز را می‌بیند و از هیچ چیز دلگیر نمی‌شود. این چشم همیشه باز با دوربین خود با هیچ کس دشمن نیست. کنجکاو است و صمیمی و از همه مهمتر شجاع است و مقتدر و از دیدن هیچ چیز روی گردان نیست و اوپنی‌هایی که صادقانه و از سر اخلاص و آگاهی با قلم خود با دوربین خود و با چشمانی باز در تاریخ ماندگار می‌شوند و این مسیر آگاهی بخشی ادامه یافته تا هنرمندان فرهیخته را بهانه‌ای شود که در جشنواره‌ها مفهومی از حقیقت را به نمایش گذارند. امسال جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران «سینما حقیقت» که جشنواره‌ای حقیقت‌جو و آگاهی بخش است هشت ساله شد و ما شاهد بودیم که در این سال‌ها خوش درخشید و تداوم آن سبب شد تا نزد مستندسازان هنرمند، همپای جشنواره‌های جهانی مطرح شده و اعتبار یابد و هنرمندان مستندساز نیز با تعهد و احساس مسئولیت، بیشتر از همیشه مایل به حضور در این رویداد فرهنگی بین‌المللی باشند. در عین حال در هشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران «سینما حقیقت»، ایده اعطای جایزه شهید آوینی فرصتی فراهم کرد تا هنرمندان متعهدانه و خلاق با نفوذ در عمق جان‌ها نقش انکارناپذیر خود را در حیطه مضامین ارزشمند اسلامی ایرانی فراروی مخاطب سینما به شکلی بهتر ایفا نمایند. سربلند و پیروز باشید.



هم‌زمان با آغاز رسمی هشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر علی جنتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پیامی ضمن اشاره به ارزش‌های «آگاهی» برای بشر، سینمای مستند را به عنوان «توانمندترین ابزار در به تصویر کشیدن اندیشه بر مبنای واقعیت‌های جهان» معرفی کرده است. متن پیام وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به هشتمین جشنواره بین‌المللی سینما حقیقت به این شرح است:

بنام خداوند خالق زیبایی‌ها

جوامع مدرن امروزی رفاه انسان را برتر از آنچه گذشتگان ما تصور می‌کردند افزایش داده‌اند؛ اما با این وجود، تمتع حقیقی و احساس لذت واقعی کمتر شده است، چرا که بسیاری از بحران‌های حل‌ناشدنی و مشکلات انسان معاصر ناشی از جهل و ناآگاهی به جهان هستی، اخلاق و طبیعت پیرامون است و آگاهی بخشی جزئی غیر قابل انکار از تکامل انسان در طبیعت محسوب می‌شود که برای قابل فهم‌تر کردن آن از ابزارها و اندیشه کمک می‌گیریم. سینمای مستند بعنوان توانمندترین ابزار به تصویر کشیدن اندیشه بر مبنای واقعیت‌های جهان هستی می‌تواند بخشی از حقیقت را برای ما آشکار سازد و نتیجه آنکه در مسیر آگاهی، انسان با چشمانی باز تبدیل به شجره طیبه‌ای می‌شود که در متن طبیعت فرو آمده و زیر چتر حمایت عقل از متن طبیعت تافراز ملکوت بدون توقف و شتابان تابی نهایت او در حال شدن است.

این چشم همیشه باز اسمش هم اسم خود ماست. در حقیقت خود واقعی ماست. ذهن آگاهی ماست. بنابراین آگاهی انسان به طبیعت و آیات خدا عین آگاهی به او خواهد شد و همانا حقیقت متعال، خداوند است و هیچ حقیقتی برتر از آن نیست تا جایی که در قرآن می‌فرماید «و لا تکنوا کالذین نسوا الله فانفسهم اولئک هم الفاسقون» و چون کسانی می‌باشند که خدا را فراموش کردند و او نیز آنان را دچار فراموشی کرد آنان همان نافرمانانند. (حشر ۱۹) با استناد به مفهوم این آیه، انسان در نتیجه رشد و آگاهی، حقیقت را با جلوه‌ای زیبا مشاهده می‌کند و نگاه او جز شکوه هستی را نخواهد دید زیرا آینه دل او زیباچو رود، حقیقت و زیبایی هنر را به یک شهود و الانسب می‌دهد که در درون خود پرورش داده است و وقتی از سر این آگاهی به خدا تسلیم شد آنگاه مانند خورشید روشنایی بخش، دانش او نیز حقیقت را نمایان می‌سازد و هنگامی که شعور و ایمان او معطوف به خداوند متعال می‌شود،

نگاه اول



نویسنده و کارگردان ابوالفضل جلیلی

حقیقت نه واقعیت

مسئله مهم در سینمای مستند عبور از واقعیت و رسیدن به حقیقت است؛ چیزی که در سینمای ما نیست و من در سینما دنبال همین هستم. مثلاً ما می‌رویم مستندی بسازیم از یک معلمی که می‌گوید بد اخلاق است. سر کلاسش می‌رویم و می‌پرسیم معلم شما بد اخلاق است؟ بچه‌ها می‌گویند بله و می‌بینیم که این آقا سر کلاس هم واقعا بد اخلاق است. ما این را نشان می‌دهیم و می‌گوییم واقعیت را به تصویر کشیده‌ایم اما آیا این حقیقت است؟ نه، این واقعیت ظاهری است. وظیفه هنرمند این است که از واقعیت عبور کند و به حقیقت برسد، یعنی نشان دهد که چرا این معلم بد اخلاق است؟ بد اخلاق است چون می‌گوید اگر یک لبخند بزند دیگر کسی در سش را انجام نمی‌دهد. پس حقیقت این است که او بد اخلاق نیست اما برای این که بچه‌ها را به علم و دانش یعنی هدف غایی‌اش برساند مجبور است رل بد اخلاقی را بازی کند. این تعریف حقیقت در سینمای مستند است و برای رسیدن به این حقیقت باید تحقیق کرد، سختی کشید و دانشش را بسازند و به ما نشان دهند مشخص می‌شود که تحقیق و کارگردان با دانشی پشتش هست اما اگر این طور نباشد به نظر من حتی واقعیت هم نیست، بلکه صرفاً وقایع‌نگاری است. گاهی پیش می‌آید زمان فیلمبرداری، در یک روز فقط دو تا پلان می‌گیرم چون همه چیز را دقیق و بر مبنای فهم و شعور خودم می‌چینم ولی بازی بازیگران را می‌سپارم به گذر زمان؛ وقتی همه چیز را آماده کردم یک مقدار کار را طول می‌دهم و صبر می‌کنم تا بازیگرم خسته شود. تازه زمانی که بازیگر خسته شد در نقش جا می‌افتد. وقتی خسته شد می‌گویم حالا بگیریم چون معتقدم هیچ میزانشنی بهتر از میزانشن خود طبیعت نیست. فیلم‌های زیادی ساخته‌ام که هیچ کدام شان اکران نشده‌اند. از دوستی که اتفاقاً یک مقام مسئول بود دلیل مخالفت‌ها با نمایش عمومی فیلم‌ها را پرسیدم. او گفت تو آن قدر طبیعی فیلم را درمی‌آوری که مردم باورش می‌کنند و چون باور می‌کنند فکر می‌کنند مستند است. می‌گفت من می‌توانم با فیلم‌ها حرفی را که می‌خواهم در مغز مردم فرو کنم اما در مورد فیلم کارگردان‌های دیگر این طور نیست؛ مردم می‌فهمند فیلم است و داستان آن بازسازی شده. من از این تعبیر خوشحال شدم چون همیشه برای میزانشن وقت زیادی می‌گذارم تا به پیش برد هدفم نزدیکم کند.

راویان حقیقت می‌آیند

پیام رئیس سازمان سینمایی به هشتمین جشنواره بین‌المللی سینما حقیقت

حجت‌الله ایوبی، رئیس سازمان سینمایی در پیام کوتاهی به مناسبت آغاز به کار هشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر ضمن پاسداشت تلاش مستندسازان برای این روایان حقیقت آرزوی روزهایی پرامید کرده است. متن این پیام کوتاه را در ادامه می‌خوانید:

بسمه تعالی

آینه دل چون شود صافی و پاک / نقش‌هایی برون از آب و خاک
گفتم آخر آینه از بهر چیست؟ / تا بداند هر کسی کاو چیست و کیست!
هشتمین دفتر از جشنواره حقیقت را می‌گشاییم. روایان حقیقت می‌آیند آینه در دست و دل‌ها از غبار زده، می‌آیند و ما را می‌خوانند به دیدن نقش‌هایی برون از آب و خاک. جشنواره برای اینکه هر کس بداند کاو چیست و کیست. و پاس می‌دارم تلاش‌های ستودنی روایان حقیقت، مستندسازان بی‌ادعای این سرزمین را. به امید روزهای پرامید و سرشار از موفقیت برایتان.

(مشوئی - دفتر دوم / ۷۲ و ۹۴)



میزبانی آرزوها

سینما فلسطین دیگر تبدیل به نمادی آشنا برای همراهان همیشگی «سینما حقیقت» شده است. وعده‌گاهی که هر ساله برای یک هفته میزبان اهالی سینمای مستند می‌شود. اگر در چند روز پایانی هفته گذشته هم گذارتان به خیابان طالقانی و حوالی میدان فلسطین افتاده باشد حتما متوجه پلاکاردها و داربست‌های مقابل این سینما شده‌اید. هشتمین جشنواره بین‌المللی سینما حقیقت هم با محوریت سینما فلسطین و همراهی سینما سپیده برگزار می‌شود تا این سینما همچنان میزبان آرزوها و دغدغه‌های مستندسازان ایرانی در هنگامه برگزاری مهم‌ترین رویداد سینمای مستند ایران باشد. هشتمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران «سینما حقیقت» طی روزهای ۹ تا ۱۶ آذرماه ۱۳۹۳ و با شعار «حقیقت بهترین راهنماست» که از فرمایشات حضرت علی (ع) است، برگزار می‌شود.

ماوین ۲۸۷ فیلم!



مجموع فیلم‌هایی که در هشتمین جشنواره بین‌المللی سینما حقیقت روی پرده می‌روند، بالغ بر ۲۸۷ فیلم مستند می‌شود که ۱۷۰ فیلم مستند ایرانی (مسابقه و خارج از مسابقه) و ۱۱۷ فیلم مستند خارجی (مسابقه و جنبی) هستند. در بخش مسابقه ملی جشنواره ۱۱۸ فیلم پذیرفته شدند که شامل ۲۹ مستند بلند، ۳۷ مستند نیمه‌بلند و ۵۲ فیلم مستند کوتاه می‌شود. ۱۲ فیلم مستند ایرانی هم در بخش «خارج از مسابقه» روی پرده می‌روند. در بخش «جایزه شهید آوینی» جشنواره نیز ۲۳ فیلم مستند به نمایش درمی‌آیند که ۱۷ فیلم از مجموع این آثار، در بخش مسابقه ملی هم پذیرفته شده‌اند. به همین ترتیب در بخش «مستند شهر» ۱۳ فیلم، در بخش «مستند صنایع دستی و هنرهای سنتی» ۱۱ فیلم و در بخش مرور سینمای مستند اصفهان هم ۲۰ فیلم روی پرده خواهد رفت. در بخش «مسابقه بین‌الملل» جشنواره نیز ۳۰ فیلم مستند از ۲۳ کشور جهان پذیرفته شدند.

قضات حرفه‌ای‌ها

گپ و گفت درباره عملکرد هیأت داوران و گمانه‌زنی درباره ترکیب برگزیدگان جشنواره معمولاً مربوط به روزهای پایانی و منتهی به اختتامیه است. ما هم برای گمانه‌زنی نتیجه رقابت‌ها عجله‌ای نداریم اما بدنیست از همین آغاز راه ترکیب حرفه‌ای داوران جشنواره هشتم را به یاد داشته باشیم شاید با تأمل و اطمینان بیشتری آثار را تا روز پایانی رصد کنیم و منتظر اعلام نظر داوران بمانیم. در این دوره از جشنواره سینما حقیقت محمدرضا مقدسیان، دکتر احمد ضابطی جهرمی، سعید ابوطالب، حبیب احمدزاده، محمد شیروانی، مصطفی رزاق کریمی و رامین حیدری فاروقی ۱۲۰ فیلم مستند راه یافته به بخش «مسابقه ملی» جشنواره را در سه گروه مستندهای کوتاه، نیمه بلند و بلند داوری خواهند کرد. در بخش بین‌الملل هم آثار بلند را کامران شیردل، آلیسون لی (دبیر ارشد کنگره جهانی فیلم مستند از استرالیا)، پاول لوزینسکی (مستندساز لهستانی) و مستندهای کوتاه و نیمه بلند را مهوش شیخ‌الاسلامی، جیونا نازارو (نویسنده و منتقد سینما از ایتالیا) و یاقوت جوده سعید الدیب (عضو فیپرشی از مصر) ارزیابی خواهند کرد.

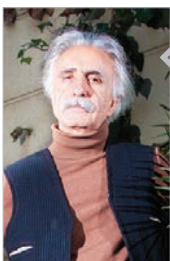
میراث عیار



روز نخست هشتمین جشنواره دو مهمان ویژه دارد. امروز یکشنبه در سانس ابتدایی سالن شماره دو سینما فلسطین دو مستند «عیار مشروطه» و «میراث مجید» روی پرده می‌رود. اما انتخاب این دو فیلم اتفاقی و بی‌بهبانه نبوده است. ۲۵ آبان‌ماه ۹۳ یکصدمین سال شهادت سردار ملی ایران ستارخان بود و به همین بهانه مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی مستندی را در بزرگداشت این شهید ملی تهیه کرد. «عیار مشروطه» مستندی پرتزه درباره ستارخان است که پخش آن در سانس ابتدایی روز یکشنبه به نوعی اکران افتتاحیه جشنواره هشتم محسوب می‌شود. مناسبیت دیگر سالگرد شهادت دکتر مجید شهریاری از شهدای هسته‌ای ایران است. به همین بهانه مستند «میراث مجید» در همین سانس افتتاحیه و پس از «عیار مشروطه» در سینما فلسطین روی پرده خواهند رفت. «میراث مجید» به کارگردانی مصطفی آتشمرد روایت زندگی شهید شهریاری از مهمترین دانشمندان و نفر اصلی غنی‌سازی ۲۰ درصد در ایران است.

تکنه‌روز

مهمان‌روز



■ محمدرضا اصلانی

مجال نفسی کشیدن

برگزاری جشنواره‌های مستند، به واقع یک نیاز برای سینمای ایران است و باید آن را به فال نیک گرفت.



■ مجتبی رازی

نگاه به معضلات اجتماعی

سینمای مستند کمک می‌کند جامعه در نگاه به معضلات اجتماعی، دارای یک نظر واقعی و منطقی کلی شود تا بتواند آنرا رفع کند.



■ محمد آفریده

انرژی صلح آمیز ایران

سینمای ایران مستند، انرژی صلح آمیز سینمای ایران است. از این سینما نباید ترسید، بلکه از جهل و ناآگاهی باید ترسید.

چهارها



داوری اشتباه یعنی آدرس غلط به فیلمساز

سید محمد مهدی طباطبایی نژاد، دبیر جشنواره سینما حقیقت در گفت و گو با نشریه روزانه ویژگی های این دوره از جشنواره را برای ما روایت می کند

محمد صابری

M.saberil63@gmail.com

«البته می دانید که عمده تلاش در این قبیل جشنواره ها بر دوش همکاران دبیر جشنواره است و من نوعی به عنوان سخنگوی این تیم عهده دار ارائه این توضیحات هستم» سید محمد مهدی طباطبایی نژاد در میانه گفت و گو اینگونه به زحمات همکارانش در تیم برگزاری جشنواره اشاره می کند، تا در مقام دبیر جشنواره زحمات همکارانش را نادیده و ناسپاس نگذاشته باشد. مدیر عامل مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی حالا و هم زمان با دومین تجربه دبیری جشنواره «سینما حقیقت» به نکات جالبی در باره ارتقاء کیفی این دوره از جشنواره اشاره می کند اما در ارزیابی حرکت کلی سینمای مستند، با صراحت همیشگی شرایط آن را رضایت بخش نمی داند و تأکید می کند: «میانگین کیفی تولیدات مستند مانیاز به تمرکز و تلاش بیشتر برای ارتقاء کیفی دارد.»

مرسوم این است که نخستین جشنواره برگزار شده در دوره مدیران جدید را محصول فعالیت های مدیران قبل می دانند. با این حساب دوره هشتم جشنواره سینما حقیقت را می توان اولین جشنواره ای دانست که تمام و کمال حاصل برنامهریزی و فعالیت شما و همکاران تان در مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی است. از این منظر این دوره چه امتیاز افزوده ای نسبت به دوره های قبل دارد؟

البته در دوره هفتم جشنواره «سینما حقیقت» هم غیر از هیأت های انتخاب و داوری که از پیش معرفی شده بودند باقی برنامهریزی ها بر عهده تیم جدید بود. مخصوصاً کارگاه ها که از همان ابتدا برنامهریزی و اجرایش بر عهده آقای قاسم خان بود. پس دوره قبل هم جز در موارد اندک محصول کار دوستان جدید بود. البته دوستان قدیم هم مسیر را تا جایی طی کرده بودند و پس از آن به ما واگذار کردند و از این منظر خیلی هم نمی توان مجموعه دوستان «سینما حقیقت» را به مدیران سابق

و جدید تقسیم کرد. امیدواریم امسال هم بتوانیم شاهد نشاط جشنواره هفتم باشیم. به طور خاص اما در دوره هشتم شاهد برخی تغییرات اجرایی هستیم. مثلاً چند دوره اخیر بر اساس سیاست گذاری برخی دوستان آثار جشنواره به شکل موضوعی ارزیابی می شد و این مسئله سبب شده بود در برخی دوره تا ۱۱ تندیس کارگردانی به مستندسازان اهدا شود که این اندکی اعتبار و ارزش جایزه جشنواره را تحت الشعاع قرار داده بود. از این منظر به اعتبار نظر مستندسازان و جمع بندی خودمان شیوه داوری آثار را به شیوه سابق بازگردانیم تا فارغ از موضوع در سه بخص کوتاه، نیمه بلند و بلند آثار داوری شوند.

یعنی امسال با جوایز محدودتر مواجه هستیم.

بله. البته اتفاق مهم دیگری که امسال رخ می دهد این است که جایزه شهید آوینی که تا پیش از این در قالب دوسالانه و با اهدا صرف جوایز برگزار می شد، از این دوره در جشنواره سینما حقیقت ادغام خواهد شد. این ادغام باعث می شود که آثار مستند مرتبط با مقاومت، انقلاب اسلامی و دفاع مقدس هم یک هفته تمام در معرض دید مخاطبان قرار بگیرند و اینگونه نباشد

که به صرف اهدا یک جایزه مورد ارزیابی و داوری قرار بگیرند. مضاف بر اینکه برخی از این آثار می توانند در بخش اصلی مسابقه ملی جشنواره هم به رقابت با سایر آثار مستند بپردازند. این نشان دهنده اهمیتی است که ما برای آثار این بخش قائل هستیم. ما امسال دو بخش جنبی هم در جشنواره داریم که یکی بخش «مستند شهر» است که با همکاری سازمان زیباسازی شهرداری تهران برگزار خواهد شد و فیلم های مستند با موضوع شهر به صورت مجزا در آن داوری می شود. بخش دیگری هم با همکاری سازمان صنایع دستی و هنرهای سنتی برگزار می شود که در این بخش به سه فیلم جایزه اهدا می شود و یک جایزه پژوهش هم برای آثار این بخش در نظر گرفته شده است. این ها مجموعه تغییراتی است که در دوره هشتم شاهد آن خواهیم بود و در مجموع تلاش ما در این دوره بازگشت به شیوه استاندارد و جهانی برگزاری جشنواره بود که در سه دوره اول «سینما حقیقت» هم همین روال را داشتیم.

در این بین گویا کارگاه های تخصصی جایگاه ویژه ای در برنامه های جشنواره امسال دارند؟

بله. هم در دوره قبل و هم در این دوره به طور ویژه، این رویکرد را داشته ایم. کارگاه های پژوهشی، تخصصی و آموزشی هشتمین دوره جشنواره سینما حقیقت قابل قیاس با هیچ یک از دوره های گذشته نیست و چهره های شاخصی سینمای مستند جهان در این کارگاه ها حضور خواهند داشت. بیش از ۳۰۰ نفر در همان روزهای ابتدایی ثبت نام برای حضور در کارگاه ها، تقاضای خود را در سایت جشنواره ثبت کردند در حالی که ما امکان پذیرش تنها ۱۰۰ نفر را در این کارگاه ها داریم و امکانات مان برای بیش از این ظرفیت جوابگو نیست. از سوی دیگر سه روز پایانی جشنواره امسال را به کارگاه تولید مستند اروپا اختصاص دارد که ۱۰۰ مستندساز به صورت گلچین شده در این کارگاه حضور خواهند داشت و کارشناسان تولید مستند اروپا «EDN» در این سه روز به ایران می آیند و تجربیات خود در زمینه تولید مستند و نیز عرضه و بازاربازی آن را در اختیار مستندسازان ما می گذارند و هم زمان برای سال ۲۰۱۵ هم تعدادی از تولیدات ما را برای عرضه در «EDN» گلچین می کنند.

این تعاملات بین المللی در کیفیت برگزاری بازار فیلم «سینما حقیقت» هم تأثیر دارد؟

بخش بازار فیلم جشنواره سینما حقیقت در دوره های گذشته عملاً تعطیل بوده است و در این سال ها هیچ بازار مستندی نداشته ایم. امسال اما بازار فیلم مستند ما فعال خواهد شد و در کنار کارگاه های تخصصی بازار مستند با حضور تولیدکنندگان

ACollaborative Effort

Mohamad Mehdi Tabatabaei Nejad, who is experiencing his second presence as the secretary of Cinema Verite festival, tried to change the administrative structures, in order to reach acceptable standards. He says: "The efforts in such festivals are mostly made by the colleagues of festival's secretary and I'm responsible for providing these explanations as the spokesman of this committee." The CEO of Documentary and Experimental Film Center (DEFC) also mentioned some interesting points about the improvements of the quality of this year's festival. After some years, again there is a film market for documentary works which is going to be held alongside the specialty workshops running by EDN. "Cinema Verite festival is a home to offering of documentary productions", he said.

و شرکت‌های معتبر بین‌المللی فعال خواهد بود. یعنی می‌توانیم شاهد خرید و فروش واقعی تولیدات در این بازار باشیم؟

امیدواریم این اتفاق بیفتد هر چند معتقدیم مهم‌تر از خرید و فروش واقعی آثار ارتباطاتی است که شکل می‌گیرد. نباید ارتباطات بین‌المللی ماقطع شود و دل‌مان به این خوش باشد که دو فیلم فروختیم یا نفر وختیم! این که مستندسازان ما مورد رجوع قرار می‌گیرند و یا با طرف‌های خارجی ارتباط می‌گیرند دستاورد مهمی است. ارزیابی عملکرد بازار فیلم بین‌المللی از منظر خرید و فروش صرف ارزیابی «نوک دماغی» است! باید کمی لانگ‌شات به این بازار نگاه کرد. خیلی از مستندسازان مافعالیت بین‌المللی خود را از همین بازارها آغاز کردند.

اگر افزایش ارتباطات بین‌المللی را به عنوان شاخص ارزیابی موفقیت بازار فیلم در نظر بگیریم، به طور عام‌تر درباره شاخص‌های ارزیابی موفقیت جشنواره «سینماحقیقت» به چه شاخص‌های دیگری می‌توانید اشاره کنید؟

ما ابتدا باید بدانیم توقع ما از یک جشنواره چیست؟ جشنواره‌ها کارکردهای متعددی دارند که اولین آن‌ها فراهم

آوردن فضایی برای عرضه آثار و نیز تقویت انگیزه تولید در یک حوزه خاص است. این عامل مهمی است. کارکرد دیگری به وجود آوردن فضای همدلی به واسطه زمینه‌سازی برای یک اجتماع صنفی است. جشنواره‌ها می‌بایست موجب افزایش کیفیت آثار شوند چراکه فضایی برای محک خوردن تولیدات هستند و مستندسازان می‌توانند خودشان آثارشان را در کنار دیگر تولیدات ارزیابی کنند. انگیزه‌های مالی و بحث اهدای جوایز را هم می‌توان به‌عنوان یکی از جنبی‌تر پارامترها واجد اعتبار و ارزش دانست. کارگاه‌های آموزشی و پژوهشی و تأثیر آن‌ها بر رشد کیفی تولیدات بسیار مهم است که ما سعی کرده‌ایم در این زمینه خاص در عالی‌ترین سطح ممکن عمل کنیم. در مجموع با توجه به مجموعه توقعاتی که می‌توان از یک جشنواره داشت، به‌عنوان دبیر جشنواره سعی کرده‌ام افق «سینماحقیقت» را در عالی‌ترین سطوح در نظر بگیرم.

طبق این تعریف و با توجه به شاخص‌هایی که برای ارزیابی موفقیت یک جشنواره بر شمرده‌اید کیفیت آثار مقوله‌ای کاملاً جدا از کیفیت برگزاری جشنواره است.

بله. شما هم به خوبی می‌دانید که در هر دوره از جشنواره آثار خوب و بد وجود دارد. یک سال میانگین کیفی آثار بسیار بالاست و سال دیگر متوسط و پایین است. آثار مستند هم تولید ما، به عنوان برگزارکننده جشنواره سینماحقیقت نیست. در مقام دبیر جشنواره سینماحقیقت وظیفه برگزاری شایسته و باکیفیت جشنواره را دارم. اما وقتی در مقام مدیر عامل مرکز گسترش می‌توانم دیگران را دعوت به قضاوت درباره تولیدات این مرکز بکنم و بعد ادا کنم که تولیدات مادر مرکز آثار قابل دفاعی بوده‌است. ما نباید نگران باشیم در برخی دوره‌ها آثار متوسط و حتی با کمی اغماض آثار ضعیف از پروسه انتخاب عبور کند و در جشنواره حاضر شود. مهم دیدن تمام این آثار در کنار یکدیگر است. برخی شاید معتقد به برگزاری سخت‌گیرانه جشنواره باشند که این نگاه، نگاه محترمی است و شاید بنده هم از طرفداران آن باشم اما در شرایط امروز کمی اغماض لازم است تا مستندسازان ما در این جمع مشخص امکان محک آثارشان را به‌دست بیاورند و در جهت رفع نواقص آثارشان تلاش کنند. ما وظیفه فراهم آوردن این فضا را داریم. جشنواره «سینماحقیقت» خانه اصلی عرضه تولیدات مستند است و اگر در فیلمی حتی یک نقطه امید هم وجود داشته باشد سعی کرده‌ایم که فرصت حضور را از آن دریغ نکنیم.

در زمینه ملاک‌های ارزیابی توفیق یک جشنواره به مسئله داوری اشاره نکردید؛ به‌عنوان سوال پائینی می‌خواهم بدانم در زمینه داوری‌ها هم امکان دارد شاهد اغماض‌هایی از جنس آنچه در پروسه انتخاب مطرح بوده‌است باشیم؟

اساساً داوری حوزه اغماض نیست. در فرآیند انتخاب ممکن است جایی برای اغماض باشد؛ اما داوری اصلاً اینگونه نیست. کافی است نگاهی به ترکیب داوران جشنواره بیاندازید. همه از سرآمدان و معتبران حوزه مستندسازی هستند که در عین حال سلاقی بسیار متنوعی هم دارند. از سلیقه کاملاً آوانگارد و نو در ترکیب داوران امسال داریم تا یک سلیقه کاملاً کلاسیک. کنار هم بودن این سلاقی سبب شده جلسات داوری جلساتی بسیار فنی و تخصصی باشد و سعی داشته‌اند انتخاب‌ها را نهایت دقت باشد. مضاف بر این در نظر داشته باشیم داوری آثار یک جشنواره در حقیقت ارائه یک آدرس است. با اهدا جایزه به یک فیلم ما به گروهی از فیلمسازان آدرس می‌دهیم. اگر داوری صحیح نباشد یعنی ما آدرس غلط داده‌ایم و طیفی از فیلمسازان ما را گمراه کرده‌ایم به همین دلیل معتقدم داوری اصلاً عرضه اغماض نیست.

پذیرش واقعیت

سطح متوسط تولیدات سینمای مستند ما ضایع‌بخش نیست. فیلم‌های خوب بسیاری وجود دارند اما میانگین کیفی تولیدات مستند ما نیاز به تمرکز و تلاش بیشتر برای ارتقا کیفی دارد. بنده هم می‌توانم مانند برخی مدیران دیگر چشم‌بر این واقعیت بندم و بگویم همه چیز در حیطه فعالیت‌م خوب است؛ اما واقعیت چیز دیگری است. این شرایط هم حاصل سیر نزولی سینمای مستند ما در چند سال اخیر است. شما اگر بخواهید درباره یک جریان فیلمسازی قضاوت کنید باید متوسط کیفی کلیه تولیدات را مدنظر داشته باشید. اگر این متوسط رو به بالا باشد این نشان‌دهنده رشد است؛ اما اگر گشتیم و تنها چهار فیلم عالی پیدا کردیم و به آن جایزه دادیم، این اصلاً امیدوارکننده نیست.

اصل مطلب

پیام محمد مهدی طباطبایی نژاد به جشنواره حقیقت

به تماشای حقیقتی کامل تر می‌نشینیم

هوالحق

در حکایتی کهن آمده است «خدا چون از خلقت آدمی فارغ شد، فرشتگان از او خواستند تا حقیقت را به آنان بنمایند. خداوند آینه‌ای آفرید و به دست فرشتگان داد. فرشتگان که از خلقت آدمی به وجد آمده بودند با تماشای آینه در حیرت شدند. آینه در میان فرشتگان دست به دست می‌شد که ناگاه از عرش به زمین افتاد. تکه‌های آینه هر یک به سویی شد. هر کس قطعه‌ای یافت، خود را در آن دید و گمان کرد که این تمام حقیقت است؛ اما حقیقت میان مردمان بود و حقیقت کامل آنگاه حاصل شود که مردمان تکه‌های آینه را به هم آرند.»

خوب‌ویان آینه می‌جویند تا صورت خود در آن ببینند و خط و خالی بر آن بیفزایند، یا اگر نقصانی یافتند بزیند و چهره به کمال آورند.

سینمای مستند، وجهی نمادین و این زمانی از آینه است. فیلم مستند می‌خواهد و باید که این‌گونه باشد، زیبایی‌ها را بنمایاند و زشتی‌ها را بپیراید.

به بهانه هشتمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران «سینماحقیقت» آمده‌ایم تا تکه‌های آینه‌ها مان را در قاب سینماگرد هم آوریم و حقیقتی کامل‌تر را نظاره کنیم. و اهل نظاره باید که خاصیت آینه بدانند و گرنه عکس آینه را به آینه منسوب می‌کند، در حالی که به گفته مولانا درباره شمس:

آینه‌ای عکس تورنگ کسی‌ست

توز همه رنگ جدا بودای

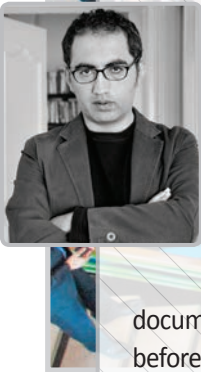


A Choice for the Truth

LOQMANKHALEDI

Member of the Selection Committee of Short Docs Section

Among 413 films, we selected the most suitable ones to be shown in Cinema Verite festival and what a difficult task it was. We tried our best to set up an impressive collection of Iranian short documentaries which are worthy of such a festival. Among all these films, we came across with some films that brought tears of joy in our eyes and made us believe in documentary cinema more than before. We had and still have hopes that each audience, who chooses a film theater, will meet the truth more than reality.



انتخاب‌هایی برای حقیقت

عضو هیات انتخاب مستندهای کوتاه در یادداشتی برای نشریه روزانه، تاکید کرده که هیات انتخاب تلاش داشته تا فیلم‌های زیننده‌ای برای جشنواره حقیقت انتخاب کند

لقمان خالدي

عضو هیات انتخاب بخش مستند کوتاه

به انتخابی که در آینده نزدیک با آن روبه‌رو هستید فکر کنید. منظورم از آینده نزدیک، بستن این صفحه بولتن و سپس باز کردن جدول برنامه نمایش فیلم‌های جشنواره حقیقت و انتخاب فیلمی است که باید در این زمان ببینید. بین این همه سالن در این زمان مشخص کدام فیلم ارزش دیدن را دارد؟ و اینجاست که باید انتخاب کنی که قسمتی از مهمترین زمان زندگیت را صرف کدام فیلم کنی؟ آیا آن فیلم ارزش زمانی که تو برایش می‌گذاری دارد؟ واقعا کدام یک از این فیلم‌ها را باید دید؟

این سانس رو دیدی؟ فوق العاده بود!

شما می‌دانید انتخاب یک فیلم یعنی از دست دادن فیلم دیگر در سالنی دیگر. تعداد فیلم‌ها زیاد و زمان محدود است ولی اگر در این زمان انتخاب درست را انجام ندهی مطمئنا از دست خودت عصبی و با خودت درگیر خواهی بود که چرا زمانت را به این فیلم اختصاص دادی و فکر می‌کنی نکند در سالن کناری فیلم بهتری را پخش می‌کنند و تو داری اینجاست وقت را با این فیلم ضعیف تلف می‌کنی و در ذهنت با کسانی که این فیلم‌ها را انتخاب کرده‌اند درگیر خواهی بود، ولی بیشتر از هر چیز با خودت مسئله داری که چرا سالن درست و فیلم درست را انتخاب نکردی؟ در این حین لحظه شماری می‌کنی موقعیت مناسبی پیدا کنی تا بتوانی از سالن بیرون بروی و در دناک‌تر اینکه بعد از خروج از سالن دوستت را می‌بینی که از سالن کناری بیرون می‌آید و می‌گوید فیلم این سانس رو دیدی؟ فوق العاده بود! و تو آن لحظه از دست خودت و انتخابت بیشتر از پیش

فوق العاده بود، نه؟

در زمان تکرار نمایش مستندی که از دست دادی خودت را با هزاران بدبختی به سینما می‌رسانی و در این بین به جدول نمایش فیلم‌ها نگاهی می‌اندازی و متوجه می‌شوی فیلم دیگری که اسمش برای تو جالب است در همان زمان در سالنی دیگر پخش می‌شود ولی به خاطر تعریفات دوست تریج می‌دهی مستندی را انتخاب کنی که نتوانسته بودی ببینی. روی صندلی می‌نشینی و چند دقیقه اول فیلم را که می‌بینی متوجه می‌شوی این فیلم هم برای تو جذاب نیست و احساس می‌کنی گیر افتاده‌ای و از خودت می‌پرسی چه چیز این فیلم برای دوستت جذاب بوده که گفته فوق العاده است؟! فیلم تمام می‌شود اما این فیلم

حالا تصور کنید ما بین ۴۱۳ فیلم باید انتخاب کنیم که کدام باشد و کدام نباشد. چه قانونی می‌گوید این فیلم از آن فیلم بهتر است؟ انتخاب کردن سخت است. انتخاب‌های سخت، سخت هستند نه به خاطر جهل ما؛ آن‌ها سختند چون بیشتر وقت‌ها بهترین گزینه وجود ندارد. بخصوص در سینمای مستند که هر فیلمی دنیای جدیدی را برای تو بازگو می‌کند، هر چند با لکنت، ولی به هر حال لکنت فیلمساز هم خودش دنیای جدیدی است. پس با این فرض همه انتخاب‌ها می‌توانند به اندازه یکسانی خوب باشند. اینجاست که در فضای انتخاب‌های سخت قرار می‌گیری که کدام فیلم برای بودن در جشنواره انتخاب شود.

اصل مطلب

احساسی برای تو وجود نمی‌آورد که حتی واژه خوب بودن را به آن الصاق کنی، فوق العاده بودن پیش کش! بیرون از سالن دوستت را می‌بینی می‌گوید دیدی؟ فوق العاده بود، نه؟ تو چیزی نمی‌گویی و درون خودت دنبال یک جواب برای چنین شرایطی می‌گردی. به کلید واژه سلیقه می‌رسی، سلیقه او یا سلیقه تو فرق می‌کند اما از جای خوردن با همان دوستی که سلیقه‌اش فرق می‌کند نمی‌توانی بگذری. همه این شرایط وقتی پیش می‌آید که ما سلبی برای انتخاب نداشته باشیم.

چه انتخاب سختی بود

می‌گویند حقیقت آینه‌ای بود که از آسمان افتاد و شکست و هر کس تکه‌ای از آن برداشت و پنداشت حقیقت در دست اوست. در زبان عامیانه، حقیقت عبارت است از آن چیزی که باید باشد، اما واقعیت آن چیزی است که واقع می‌شود ولو حق هم نباشد. واقعیت اتفاقی است که افتاده یا می‌افتد بدون اینکه باید یا نباید آن مورد نظر باشد. حقیقت چیزی ورای واقعیت است. مادر میان این فیلم‌ها، فیلم‌هایی دیدیم که از واقعیت گذر نکرده بودند و فقط در موضوع غوطه خورده بودند و فیلمساز حقیقت موضوع را برای مخاطبش کشف نکرده بود. در مسیر انتخاب‌هایمان افسوس‌ها خوردیم برای سوژه‌هایی که بیشتر در واقعیت و موضوع ماندند و متأسفانه حقیقت آن موضوع‌ها را فیلمساز متبلور نکرده بود. ما در این فیلم‌ها شخصیت‌های جذابی دیدیم که کارشان و زندگی‌شان جذاب بود اما بطور جذابی روایت و ثبت نشده بودند. ما در بین همه این فیلم‌ها، فیلم‌هایی نیز دیدیم که اشک شوق را در چشمانمان جاری کردند و به سینمای مستند بیش از پیش ایمان آوردیم. با همه این اوصاف از بین این ۴۱۳ فیلم، فیلم‌هایی که زیننده جشنواره حقیقت باشند را انتخاب کردیم و چه انتخاب سختی بود. تلاشمان این بود که سفره جذابی از مستندهای کوتاه ایرانی بگسترانیم که لایق چنین جشنواره‌ای باشد. امید داشتیم و داریم که هر تماشاگر که مستندی را در یک سالن انتخاب می‌کند با دیدن هر فیلم با حقیقت، بیشتر از واقعیت روبه‌رو شود.

نمی توانم از مستند جدا شوم

ابراهیم مختاری مستندساز ۶۷ ساله سینمای ایران از اوضاع و احوال وضعیت مستندسازی و نیازهای مستندسازی در مقوله اجتماعی می گوید

هماهنگی و تنظیم: محمدصادق شایسته
Mshayesteh84@gmail.com

ابراهیم مختاری از آن دست مستندسازان قدیمی و کم کار سینمای مستند است که کارنامه پر تعدادی ندارد ولی به لحاظ کیفیت تعدادی از مهم ترین آثار پر تره و اجتماعی سینمای مستند را ساخته. «چابک سوار»، «زعفران»، «نان بلوچی»، «آچاره نشینی» و «زینت، یک روز به خصوص» از جمله مهم ترین آثار کارگردانی است که مدت هاست مستندی از او به نمایش در نیامده اما به عنوان رئیس هیات مدیره انجمن مستندسازان سینمای ایران در بطن کارهای صنفی مستندسازان قرار گرفته است. قرار گذاشتن برای مصاحبه با او سخت بود چرا که به شدت اعتقاد داشت اگر قرار باشد حرف بزند باید حرفی را بزند که احساس کند به درد جماعت مستندساز می خورد به همین دلیل هم ترجیح داد خیلی وارد بررسی آثار کارنامه کاری خودش نشویم. دغدغه زیادی در خصوص جماعت مستندسازان دارد و حداقل فعالیت هایش و جنس حرف هایی که می زند در ظاهر موید همین نکته است. همراه مادر این مصاحبه شمیم مستقیمی از مستندسازان جوانی بود که احاطه خوبی بر آثار و کارنامه کاری مختاری داشت و گفت و گویی که در ادامه می خوانید حاصل گپ و گفت دو مستندساز از نسل قدیم و جدید سینمای ایران است. گفت و گویی که در آن از علت نساختن مستند در ۱۵ سال گذشته هم می گوید

مشروح مصاحبه در صفحات ۸ و ۹

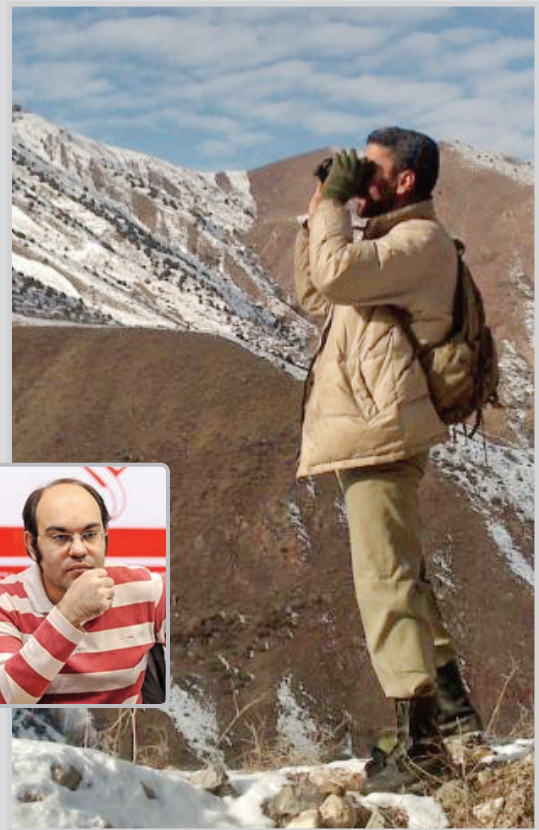


Note on Doc Film

No.1 Sun, 30th Nov. 2014

CINEMA VERITE Iran International Documentary Film Festival

7



سال مستندهای زیست محیطی

رامتین شهبازی

عضو هیات انتخاب بخش مستند بلند

امسال به لطف دوستان در مدیریت برگزاری جشنواره با حضور در هیات انتخاب مستندهای بلند، موفق به بازبینی حدود ۱۰۰ مستند بلند شدم که چشم انداز مناسبی را در برابرم پیرامون وضعیت یک سال سینمای مستند ایران گشود. به زودی درباره این تجربه مطلب مفصلی خواهم نگاشت، اما در این مقاله کوتاه تنها به ذکر چند نکته بسنده می کنم که طبیعی است نظر شخصی نگارنده محسوب می شود و آنچه می آید حاصل نگاه به مستندهای بلند جشنواره است.

امسال تعداد مستندهای موسوم به «مستندهای اجتماعی» کم شمار بوده و جز تعداد معدودی، ضعیف بنیه به نظر می رسیدند. البته ناگفته نماند که مستند اجتماعی اصطلاحی بر ساخته و تاحدی نامانوس است، اما در اینجا بیشتر فیلم هایی مورد نظر هستند که نگاهی انتقادی داشته و سعی می کنند بنابر شاخه های از سینمای مستند، جامعه و حوادث موجود در آن را مورد پرسش قرار داده و به چالش بکشند. در این راستا آن چه بیشتر جلب توجه می کند، نگاه هایی از انگاره هایی پر تکرار است که نیاز به آسیب شناسی جدی داشته و امید که این مهم به مدد دست اندر کاران به فرجام برسد.

در کنار غیبت گونه مستندی که از آن سخن رفت، گونه مستندهای محیط زیست و حیات وحش از تقای خوبی یافته و می توان بارقه هایی از امیدار در دست اندر کاران این جنس مستندها مشاهده کرد. از مستندسازی که این شاخه را به شکلی حرفه ای پیگیری می کنند تا دوستانی که هنوز مشغول طبع آزمایی هستند. پژوهش، توجه به ابعاد زیبایی شناسانه و ساختارهایی تاحد زیادی جذاب و منطقی از ویژگی های این مستندها به شمار می آید. آنچنان که از دل همین مستندها بر می آید، پژوهش و ارائه سندی تصویری از این آثار زمان گیر و طاقت فرسا بوده و مستندسازان با صرف زمان های چندساله به ارائه چنین آثاری دست یازیده اند.

از پر شمار ترین گونه هایی که امسال سینماگران در کمبود و غیاب گونه مستندهای انتقادی به آن دست یازیده اند مستندهای پر تره است. ظاهراً در زمینه ساخت چنین پر تره هایی همچنان مشکلاتی وجود دارد که ناشی از سوء تفاهم هایی تاریخی در ایران است. این که در مستندهای پر تره همچنان نگاه انتقادی غائب بوده و اکثر دوستان در مستندهای پر تره بیشتر به توصیف شخصیت هایی می پردازند که اطلاعات مکتوب و تصویری از زندگی آنها موجود بوده و کمتر توانسته اند به ابعاد نامکشوف زندگی ایشان پرداخته و یا تصویری انتقادی ارائه دهند. بنابر این پر تره ها در حد آثاری مرکز محور باقی می ماند که راه را برای پژوهش های بعدی باز می گذارد.

ما جدا از این نکته که به صورت گونه ای بیان شد، سینمای مستند ایران در بیشتر موارد با استثناءها کاری نیست که همیشه بوده و خواهند بود - غالب مستندهای ارائه شده از معضل پژوهش و روش اجرای پژوهش رنج می برند. کارها بیشتر در حد گزاره های تصویری هستند که نیاز به بازنگری و ارائه نسخه ای منسجم تر دارند.

البته آنچه آمد بر ایندی از کلیت بود، در این میان و اکثر فیلم هایی که هم اکنون در بخش بلند به نمایش در می آید آثاری قابل دفاع هستند که از همین جا توصیه می کنم دیدن آن ها را از دست ندهید.

ویک ساعت هستید و تعداد محدودی مستند بلند هم که وجود دارد و با برکرای جشنواره مستند توجه به آنها در جشنواره فجر کمی بیشتر از گذشته دیده می شوند اکثر با سرمایه گذاری های دولتی به سرانجام رسیده اند و متأسفانه سرمایه گذاری های خصوصی در این سال ها خیلی محدود و آهسته به این سمت حرکت کرده اند، البته لازم است بگویم که اوضاع در دولت جدید به مراتب بهتر از دولت قبلی است و حتی اقدامات مثبتی هم برای حضور بخش خصوصی در سینمای مستند صورت گرفته اما تا این حال شرایط ایده آل نیست. و امیدواریم مرکز گسترش سینمای اجتماعی تجربه کند هر اس کمتری به رشد سینمای مستند اجتماعی کمک کند و تا زمانی که دولت به شکل جدی در بحث پیش آثار مستند حمایت درست و کافی نکند ما همچنان به صورت کج دار و مریز جلو خواهیم رفت. جالب است این راهم بگویم که بخشی از مشکلات بزرگ سینمای مستند امروز ما به دلیل عملکرد تلویزیون است. تلویزیون سختگیری ها و پیچیدگی هایی دارد که به مراتب کار مستندانرا سخت تر از مواجهه اش با دولت می کند. دقیقاً به همین دلیل است که بسیاری از مستندانها به سمت کار کردن با تلویزیون نمی روند و مواجهه شدن با مرکز گسترش سینمای مستند تجربه را راحت تر می دانند. و جالب تر اینکه بسیاری از مستندانها حتی به سمت مرکز گسترش هم نمی روند و سعی می کنند تا جایی که بتوانند از طریق بخش خصوصی نیازهایشان برای ساخت فیلم را تأمین کنند.

مستقیمی: شما موسس و رئیس انجمن مستندانان سینمای ایران هم هستید. نقش انجمن در این میان چیست؟ توانسته کمکی بکند؟ اصلاً انجمن قرار است چه کمکی به روند تولید فیلم بکند؟

مختاری: روزی که فکر کردم بالا بزنم برای تأسیس انجمن مستندانان ایران از تلویزیون به عنوان یک مستندساز ناارضی بیرون آمده بودم بعد به سراغ مرکز گسترش رفتم بودم که در آن دوران دیدم فضایی خیلی بازر از تلویزیون نیست بعد به این نتیجه رسیدم که نمی شود اینگونه کار کرد تمام مدت هم نمی توانید بگویند این مدیر بد است و مدام منتظر بنشینید تا شاید یک مدیر کار بلد روی کار بیاید و فضا را آنگونه که باید برای شما آماده و مهیا کند. در این مدت متوجه شدم که ما با فقدان قوانین حقوقی و قضایی مناسب برای حوزه مستندسازی مواجه هستیم. با اینکه تلاش های فردی زیادی از جمله مقالات سرگشاده می نوشتم تا بتوانم نیازها و خواسته های سینمای مستند را اعلام کنم اما دیدم فایده ندارد و تقدیر فندان این روابط حقوقی رونق بخش برای سینمای مستند زیاد است که حرف این وان به نتیجه نمی رسد باید نهادهای دانشه باشیم که به شکل مستمر حل و فصل مسائل و مشکلات مستندانان را به خصوص در بخش خصوصی به عهده داشته باشیم.

ببینید اینکه دولت نباید و همه سرمایه ساخت مستند را تأمین بکند مسئله اصلی ما نیست، ما باید کاری کنیم که بخش خصوصی رونق بگیرد همه جای دنیا تمرکزش را روی حمایت و رشد بخش خصوصی گذاشته است اما اینجا به شدت مشکل رو با روی بخش دولتی با بخش خصوصی را داریم به جای اینکه بخش دولتی رونق بخش خصوصی باشد تبدیل به قریب آن شده است. این مشکل تمام سینما در بخش های مختلف است و در این ۳۰ سال تلاش های

Irresistible Urge to Documentary

Ebrahim Mokhtari, born in Babol 1947, is a well-known, veteran filmmaker in the field of social documentary. He began his career at the Iranian television as assistant director and then he established himself as one of the most prominent documentary filmmakers by directing documentaries for the Iranian TV stations. In an exclusive interview, he talks on one of his remarkable works, 'The Tenancy', and other aspects of making documentaries. "I made this documentary on the presumption that my audience is going to be present at the heart of this work and I felt that I should go to people who are directly involved with the crisis and hunt them at this crisis point", he explains.

حقیقت



گفتگو

حامد خورشیدی انشریه روزانه ©

نشریه روزانه هشتمین جشنواره بین المللی فیلم مستند

شده که بخش خصوصی رونق بیشتری بگیرد ولی البته تمام قد بر خورد بخش دولتی بسیار بخش خصوصی در اتفاقات و رویدادهای تقابل این دو بخش در مدیریت قلی سینما قابل مشاهده است زمانی که همه چیز به سمت دادگاه و محاکمه و گری سوق داده شد و یک جاهایی حتی احساس شد که بخش دولتی از وجود بخش خصوصی نازکی است و می خواهد این بخش فعال نباشد. به نظرم رابطه فیلمساز با دولت نباید به رابطه فیلمساز با مدیر دولتی محدود و مربوط شود. به این معنی که اگر مدیر دولتی از یک فیلمساز خوشش نمی آید آن فیلمساز اجازه کار و فعالیت نداشته باشد و بالعکس اگر مدیر دولتی رابطه خوبی با فیلمساز داشته باشد او از امکانات فراوانی برخوردار شود که نامش را زانت می گذاریم. قاعدتا اگر شما به جنس قرار دادها و بر خورد های بخش خصوصی با فیلمساز توجه کنید می بینید که فیلمساز بیشتر نیاز فعالیت در بخش خصوصی دارد. وقتی که بیشتر دولتی مالک فیلم می شود و از امکانات و امتیاز های بیشتری برخوردار است و مامان از آنها استفاده می کند تا خود را آه تبدیل به رفیق سخنی برای بخش خصوصی می شود و ما تلاش کردیم تا تا همین انجمن مستندسازان ایران توانی رادر بین حضور دولت و حضور بخش خصوصی و از نقاط این دو برقرار کنیم که نتیجه اش امنیت و موفقیت بهتر فیلمسازان نسبت بر برای حضور در این عرصه شود. الان هم اوضاع قرار داد بستن مستندسازان با بخش دولتی از جمله مرکز گسترش بسیار بسیار بهتر از ۱۰ سال گذشته شده است و این نتیجه تمام تلاش های شتابه روزی انجمن برای احقاق حقوق واقعی مستندسازان است.

اینکدر سینمای مستند اجتماعی سال های اخیر بیشتر چیزها به سمت موضوعات فردی رفته به دو دلیل عمده است یکی مسئله پیش و دوم بخش سنسور و نظارت های مستندسازان کمتر حاضر شونده همچون گذشته به سمت موضوعات تب و تاب دار و مهم اجتماعی بروند. قطع به یقین نباید که اگر این دو شما شاهد ساخت مستندهای اجتماعی بسیار قوی خواهید بود. در مورد سرمایه گذاری هم تا زمانی که بازار مطمئن و امن نباشد سرمایه گذاری به معنای صنعتی اش به وجود نمی آید و اغلب افراد با سرمایه های خرد خودشان به دنبال ساخت مستند می روند. و قاعدتا هر چه سرمایه های ساخت کار خردتر باشند شما فیلم های خردتری می بینید و شاهد فیلم هایی با تایم ۳۰، ۳۵، ۴۵

و

مواد چه کار کنیم نکته و مسئله بسیار مهم تر است. وقتی که شما تسلیه دستم و دل بازی موادی که در اختیار دارید بشود به نهیات به یک سلسله بی نظمی می رسید که تا پایان کار با شما خواهد بود و رفع نمی شود به همین دلیل اینکه اول ساختار کاری که می خواهید انجام دهید را در ذهنتان مشخص کنید بسیار مهم است. از صنف سینمای مستند اجتماعی گفتید به نظرم اینکه در سینمای مستند اجتماعی سال های اخیر بیشتر همه چیز به سمت موضوعات فردی رفته به دو دلیل عمده است یکی مسئله پیش فیلمها و دوم بخش سنسور و نظارت های سنگین است که باعث می شود مستندسازان کمتر حاضر شوند همچون گذشته به سمت موضوعات تب و تاب دار و مهم اجتماعی بروند. قطع به یقین نباید که اگر این دو شما شاهد ساخت مستندهای اجتماعی بسیار قوی خواهید بود. در مورد سرمایه گذاری هم تا زمانی که بازار مطمئن و امن نباشد سرمایه گذاری به معنای صنعتی اش به وجود نمی آید و اغلب افراد با سرمایه های خرد خودشان به دنبال ساخت مستند می روند. و قاعدتا هر چه سرمایه های ساخت کار خردتر باشند شما فیلم های خردتری می بینید و شاهد فیلم هایی با تایم ۳۰، ۳۵، ۴۵



ساخت شاهکار نیازمند فضای پاک

یادمان باشد بسیاری که شما در آن کار می کنید باید پاک و تمیز باشند تا بتوانید محصول قابل توجه و درست و سالمی ارائه کنید. زمانی که ایرادها و موانع ساخت یک اثر درست بر طرف شود شما هر چند هم کارگردان خوبی باشید این ضعفها و ایرادها اثر خود را در فیلم خوش خواهد گذاشت. به همین دلیل من به شوخی به همه می گویم که مستندسازان باید شبیه طاهر ذوالیمنین باشند با یک دستشان تولید فیلم و مطالعات زبانی شناختی و تقاسود خودشان را انجام دهند و با دست دیگر کارهای سنگین رشته خود را دهند. چرا که در زمینه حقوق صنفی کشور ما بسیار عقب افتاده است و امنیت مستندسازان تمام از آنها گرفته و مشخص نبودن حقوق و امنیت مستندسازان تمام از آنها گرفته است. اما که نتوانستیم این کار را انجام دهیم، انگیزه من از تمام خلق شود. حداقل من که نتوانستیم این کار را انجام دهیم، انگیزه من از تمام این کارها چه در فیلمسازی و چه در انجام کارهای صنفی برای واقعیت این بوده است که نتوانیم تمویری واقعی، خلاقانه و البته جناب از واقعیت خودمان را به مخاطبان نشان بدهیم. اتفاقی که در این سالها بسیار کم افتاده است.

2

به این مفهوم که قرار نیست فیلم سنسور داشته باشد و می توان بدون مبنی اصل و تمام ماجرا را تعریف کرد. در این کمک کرد که من به عنوان مستندساز بتوانم تمام یافته های خودم در زمینه پردازش و زیبایی شناسی یک اثر را به کار ببرم. با توجه به دست بازی که داشته ام این نگاه جلو رفته که مخاطب من می خواهد در قلب ماجرا حضور داشته باشد و احساس کردم اگر کسی دیگری نخواهد در مورد این ماجرا صحبت کند اثر کافی را نخواهد داشت. به همین دلیل ترجیح دادم سراغ آدم های بروم که خوششان مستقما درگیران هستند و حتی بعضی از آنها را در نقاط بحران شکار کنم. حتی به این نتیجه رسیدم بودم که تمام دفعه های پیشین بازسازی را به ششکلی کنار بگذارم با یک تعریف جدیدی از آن برسم. حالا این تفکر برایم این سوال پیش آمد در این نیاز و وضعیت باید دقیقا از چه ساختار و سازوکاری برای رسیدن مطلوب به مقصود استفاده کنم. در نهایت طرحی زدم که احساس می کنم نتیجه اش مثبت بود.

مستند اجتماعی: بگذارید بحث در مورد سینمای مستند اجتماعی را با مثالی از یکی از فیلم های خودتان شروع کنیم: اجاره نشینی. در اغلب فیلم های شما دغدغه اجتماعی بسیار پررنگ است اما نکته جالب در اجاره نشینی این است که شما به عنوان یک مستندساز به قلب یک بحران ایجاد شده برای مردم در یک مقطع زمانی خاص بسیار نزدیک شده اید و تمام الیهاپ و پیش موضوع را ثبت کرده اید. به عبارت دیگر شما «زندگی کردن در آن مشکل» را به تمویز کشیده اید نه «صحبت کردن در مورد آن». را فیلم اجاره نشینی فیلم ماندگاری است زیرا با هر بار تماشا می آن در واقع تلاشی برای نزدیک شدن به تمامیت یک زندگی در زمانی خاص و با محوریت موضوعی خاص به نمایش در می آید. اینجور فیلمها در سال های اخیر علیرغم تجربه خوب نسل شما کمتر ساخته می شود. نظر شما چیست؟

مختار ری: ترجیح می دادم که در این گفتگو خیلی در مورد آثاری که خودم ساخته ام صحبت نکنم. باین حال فکر می کنم با مثال خوبی گفتگو را آغاز کردید. توجهی که شما در ابتدا به بحث زیبایی شناسی کردید در حقیقت از مستند قلی ام می آید (البته بخشی که مربوط به من است چون اجاره نشینی را به صورت مشترک با کیوان کلبی کار کرده ام) من در واقع در «هان بلوچی» متوجه شدم که رویکرد ما تا خوداگاه دو گانه بوده است یکی مستند با تعریف خودم و یکی هم بازسازی است. بعد حس کردم باید یکی از این دو رویکرد را انتخاب کنم و وقتی با معضل فیلم اجاره نشینی مواجه شدم فهمیدم تنها با مراجعه و مواجه شدن مستقیم با رویداد می توانم این کار را بسازم. اما نکته مهم را فراموش نکنید بحث اول اینکه برای ساخت این فیلم به دلایلی دست ماز بود. هم مشکل مصرف مواد اولیه فیلمسازی را داشتیم و هم در آن مقطع به ما گفتند نگران بحث نمایش هم نباشید

1

بعدها سسگاههای که به زینت ختم می شود و در آن یک نگاه خاص به مستند به تمامی تحقق پیدا می کند تا امروز کار تا زمانی از شما ندیده ام. اگر چه می دانم سخت مشغول کار هستید. چه کاری در دست دارید؟ مختاری: خوب در سه کار با یانی که می توان سسگاه آنها را نام نهاد و در نهایت به مستند «زینت» رسید. مانند یک سبک زبانی شناختی بود که دنبال می کردم و با ساخت آخرین مستند به یانه آن زیبایی شناختی که در ذهنم بود بعد دچار یک نوع سوگ دانی شدم و دیدم که دیگر چنین چیزی جواب نمی دهد و با خودم گفتم که چه چیزی جواب می دهد. نتیجه این فکر این شد که یواش یواش به مستی رفتم که الان یک دوربین کوچک در دیجیتال دارم دو سه تا موموچ هست که در دره در حال جلو بردن آن هستم و میدویم که در این شکل جدید هم بتوانم به فیلم های قابل نمایش و در خور توجهی برسم. خیلی ها در خانواده گفتند که مستند برای تو مفهومی ندارد چرا آنقدر آن را پیگیری می کنی. حتی یک مدت بر اثر این حرف ها کار را کنار گذاشته بودم اما واقعا دیدم دست خودم نیست.

شروع دوباره با دوربین دیجیتال

نام فیلم: دیار زاینده

کارگردان: رضا شاهرادی

درباره فیلم: دیار زاینده روایتی از زندگی و شرح حال علما و بزرگان قدیم اصفهان است. علما و بزرگانی که مدرک، سند و آثاری از آن‌ها باقی مانده و تلاش شده در این مستند به آن پرداخته شود. دیار زاینده پنجمین ساخته رضا شاهرادی است که به مدت ۱۸ دقیقه تهیه و تولید شده است. او ۸۸ سال این فیلم را ساخت که در جشنواره هشتم هم به نمایش در می‌آید.



اصفهان شهر بزرگان

دیار زاینده به روایت
رضا شاهرادی

وقتی پیشنهاد ساخت مستندی درباره بزرگان اصفهان به من داده شد نمی‌دانستیم چطور باید به آن بپردازیم. بعد از انجام مشورت‌های مختلف به این نتیجه رسیدیم مستندی درباره سیر تاریخی علما و بزرگان اصفهان بسازیم. علمایی که در زمان‌های گذشته در این شهر زندگی می‌کردند و متاسفانه خیلی از آن‌ها ناشناخته مانده‌اند. بعد از مدتی به این نتیجه رسیدیم که در کنار پرداخت تاریخی به علمای اصفهان بررسی کنیم تا بدانیم هر یک از علمای شهر با کدام بزرگان هم دوره بوده‌اند. همانطور که می‌دانید اصفهان از گذشته تا امروز اساتید، علما و بزرگان زیادی را به خود دیده است که عده‌ای از آن‌ها با آثار و نوشته‌هایی از خود یادگار گذاشته‌اند نام آن‌ها باقی مانده و عده‌ای نیز متاسفانه به مرور تاریخ به ورطه فراموشی سپرده شده و به خاطر اینکه اثری از آن‌ها باقی نمانده به کل فراموش شده‌اند. در دیار زاینده با توجه به اطلاعاتی که به دست آورده شد سعی کردیم درباره بزرگان و علمایی که آثاری از آنها به جا مانده بپردازیم. این فیلم در سال ۸۸ ساخته شد و نام فیلم را از نام زاینده رود عاریت گرفتیم. نامی که می‌توانست علاوه بر رودخانه اصفهان درخور بزرگان این شهر هم باشد. بخش‌هایی از این مستند به شکل آرشیوی، انیمیشن و موشن گرافی است به همین دلیل مدتی از ساخت فیلم به تدوین، جمع‌آوری اطلاعات و تحقیقات گذشت تا به نتیجه کار دست پیدا کنیم. معتقدم در این باره هنوز می‌توان فیلم ساخت چرا که علمای زیادی در دیار اصفهان زندگی کرده‌اند و مرور سرگذشت‌شان پر از نکته‌های شنیدنی و پندآموز است. ما به وسع خود سعی کردیم اثری درخور بسازیم و از منظری خاص علمای بزرگ اصفهان را در قاب مستند آوریم. خوشبختانه حاصل کار مورد توجه قرار گرفت و امیدوارم در جشنواره سینما حقیقت هم مورد پسند واقع شود.

مستند اصفهان



بلند
مستند

سردار ملی؛ ۱۰۰ سال بعد

محمود یار محمدلو که با «عیار مشروطه»، زندگی شخصیت ملی ستار خان از بدو تولد تا آغاز مبارزات او و شکل‌گیری نهضت مشروطه را روایت کرده، در گفت‌وگو با نشریه روزانه از چگونگی ساخت و ویژگی‌های این مستند می‌گوید

احمد رضا شاهرادی
am.mehr289@gmail.com

یکی از فیلم‌های روز افتتاحیه جشنواره هشتم سینما حقیقت، مستندی است به نام «عیار مشروطه» به کارگردانی محمود یار محمدلو. این مستند که امروز به مناسبت صدمین سالگرد درگذشت ستار خان اکران شود، برخلاف سایر آثاری که تا امروز درباره جنبش مشروطه ساخته شده‌اند، نخستین اثر مستند با موضوع محوری شخصیت ملی ستار خان است. یار محمدلو پیش از این مستندهای دیگری را با نگاهی به زندگی افراد و اشخاص ساخته است که البته اغلب آثار او، جامعه هنرمندان را در بر می‌گیرد. از جمله مستندهای «داستان یک قصه‌گو» درباره بهروز افخمی، «دیدار» درباره محمدعلی کشاورز، «درویش فلزات» درباره یک استاد قلم‌زنی و «شکسته پیوسته» درباره یک استاد خوش‌نویسی. او همچنین مستندی به نام «سمنو» درباره جایگاه آن در سفره و مراسم نوروز ساخته است. به بهانه حضور این فیلم در جشنواره سینما حقیقت، پای حرف‌های کارگردان آن نشستیم.

زنده یاد علی حاتمی یک فیلم ساخته. طرح اولیه را به مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی ارائه دادم و کار آغاز شد. حالا که فیلم را ساخته‌اید، به نظر تان ستار خان چگونه شخصیتی داشت؟

وقتی شخصیت ستار خان را بررسی می‌کنید و می‌شناسید، می‌بینید هم عیار مشروطه به معنای محک و هم عیار مشروطه به معنای جوانمرد است. ستار خان وقتی در نهضت مشروطه قرار گرفت، به لحاظ اخلاقی خیلی وابسته و نزدیک به خواسته‌های ملت بود. همیشه تکیه کلامی داشت که در فیلم هم استفاده کردیم. وقتی محمدعلی شاه با پامردی ستار خان و یارانش شکست می‌خورد، ستار خان می‌گوید «خب من بروم سر زمین، کشاورزی ام را بکنم. هر وقت مردم به من نیاز داشتند، دوباره می‌آیم در خدمت‌شان». این نشانگر آن است که گرچه ستار خان برای خودش یک عیار و دست‌گیر مردم بوده، ولی هرگز دنبال جاه و مقام نبود، بلکه حس وطن‌پرستی داشته.

در پروسه پژوهش و نگارش متن مستند «عیار مشروطه»، چقدر از کتاب «تاریخ مشروطه»

شما در مستند «عیار مشروطه»، برخلاف سایر آثاری که با این موضوع ساخته شده‌اند، بیش از آن که به نهضت مشروطه بپردازید، شخصیت ستار خان را مورد مطالعه و ارزیابی قرار داده‌اید. دغدغه ساخت مستندی با محوریت این شخصیت تاریخی و ملی از کجا آمد؟

چند سال پیش، یک روز در مراسم یادبود نادر ابراهیمی شرکت داشتیم که استاد ام‌آقای اکبر عالمی گفتند «شما تا حالا تاریخ مشروطه را خوانده‌اید؟»، و من فکر کردم نه، هرگز تاریخ مشروطه را خوانده‌ام و در حد اطلاعات عمومی با آن آشنا هستم. همان روز رفته و کتاب تاریخ مشروطه را خریدم. شاید عکس‌های سربازان مجاهد را دیده باشید که در فیلم‌ها زیاد استفاده می‌کنند. من خاطره‌ای از دوران نوجوانی دارم. در نوجوانی فکر می‌کردم کاش من هم در آن دوران بودم و اسلحه و سربازها را می‌دیدم. وقتی به این موضوع ترغیب شدم، برایم جالب بود فیلمی درباره مشروطه بسازم. شروع به تحقیق کردم و متوجه شدم در این مورد فیلم‌های مختلفی ساخته شده اما تا امروز فیلمی در رابطه با خود ستار خان ساخته نشده. فقط

National Commander; One Hundred Years Later

Mahmoud Yarmohammadlou in 'The Constitutional Hero' has filmed the life of Sattar Khan, honorarily titled National Commander from his birth to the beginning of his campaign and formation of the Iranian Constitutional Revolution. Unlike other documentaries about this historical period, the film is the first one in the field mainly dealing with Sattar Khan as a national figure. In most of his documentary films, Yarmohammadlou has focused on people's lives, especially of the art society. He says: "When I was young I wished I had lived in that era to see soldiers and rifles. Years later, I began searching on this subject and I realized, although there are many films about it, none of them have been made specifically about Sattar Khan." Also, he adds: "When Sattar Khan entered the Constitutional Movement, ethically he was so related and close to people's demands that he was never in the pursuit of rank or position, and he was a real patriot indeed."



■ نام فیلم: آن س ان
 ■ کارگردان: جمشید مجددی
 ■ درباره فیلم: «آن س ان» درباره آسیاب‌های بادی در منطقه شرق کشور است. آسیاب‌هایی که پیشینه آن به قبل از اسلام بازمی‌گردد. در آن زمان در مسیر بادهای ۱۲۰ روزه که ویژگی خاص این منطقه است آسیاب‌هایی گذاشته بودند و از نیروی طبیعت به بهترین شکل برای مصارف نیازهایی که داشتند استفاده می‌کردند.



زیبا فراموش شده

مجددی از «آن س ان» و ویژگی‌هایش می‌گوید

«آن س ان» تلفیق کلمه انسان و آس است. این ساختمان‌ها به نام «آس» شناخته می‌شود که اگر با باد کار کند، آس باد و اگر با آب کار کند می‌شود آسیاب. در حال حاضر، اما تمام این آس‌ها را آسیاب می‌نامند. این فیلم را ساختم تا نشان بدهم که چطور می‌شود از نیروهای طبیعی برای به دست آوردن انرژی استفاده کرد. می‌خواستم به این نکته توجه شود که چطور در گذشته از این نیروهای طبیعی استفاده می‌کردند پس امروزه هم می‌توان از این نیروهای الهی استفاده کرد. در حالی که امروز تکیه اعظم ما برای به دست آوردن انرژی از منابع‌های فسیلی و نفت است. وقتی به مناطق شرق کشور سفر کنید سازه‌های باشکوهی را به خصوص در منطقه خواف، نهبندان و کلادر بخش‌های خراسان و سیستان و بلوچستان خواهید دید اما در خواف این آسیاب بادی‌ها از همه سالم‌تر است و به آن رسیدگی شده. وقتی آنها را از نزدیک ببینید متوجه زیبایی و جذابیت آن خواهید شد. در طول سفرهایی که به این منطقه داشتم و با دیدن این زیبایی‌ها به ذهنم آمد که یک مستند درباره این سازه‌ها بسازم تا بتوانم به نوعی این زیبایی را ثبت کنم و علاوه بر آن توجه‌ها نیز معطوف به آن شود. مستند «آن س ان» به مدت ۳۰ دقیقه ساخته شده است. ساخت فیلم به خاطر پرسه تحقیقی‌اش یک سال طول کشید. دلیل دیگر طولانی شدن فیلم انتظار برای ورزش باد بود. بادهایی که مربوط به بخشی از انتهای تابستان و ابتدای پاییز می‌شود.

چه قدر از گفت‌وگو و چه میزان از نیشن و دانای کل در فیلم استفاده کرده‌اید؟

مجموعه تصاویر فیلم «عبار مشروطه»، ترکیبی از مصاحبه با مردم، با کارشناسان تاریخ و گفتار متن است. بخش دیگری از فیلم هم مصاحبه با مردم در دوران معاصر و استفاده از عکس‌های تاریخی موجود است.

پس برای ساخت مستندان از تصاویر آرشیوی هم بهره بردید.

بله. در این زمینه آقای محمدعلی جدیدالاسلام - عکاس - که فردی دل‌سوز و ساکن تبریز هستند، به ما خیلی کمک کردند و عکس‌های خیلی خوبی در اختیارمان گذاشتند. غیر از آن عکس‌ها، صحنه‌هایی از بازسازی فیلم ستار خان - به کارگردانی زنده‌یاد علی حاتمی - به کارمان آمد. بنابراین فیلم ما ترکیبی است از عکس، تصویربرداری معاصر و تصاویر آرشیوی فیلم مرحوم حاتمی. جادارد همین‌جا یک نکته مهم را هم بیان کنم. ما سرمایه بسیار بزرگی نزد کلکسیونرهای مختلف داریم. آقایان جدیدالاسلام و ناصر حسن زاده - دو تن از مجموعه‌داران بنام تبریز - خیلی در این زمینه کمک‌مان کردند. در حقیقت، می‌خواهم بگویم مجموعه‌داران نترسند. عکس‌های خوب و فیلم‌های منحصر به فردشان را در اختیار مستندسازها قرار بدهند، چون از این طریق، به ارزش آن عکس‌ها افزوده می‌شود. چیزی از عکس‌ها کم نمی‌شود. من برای همین فیلم، می‌توانستم عکس‌های بیشتر و با کیفیت بهتر تهیه کنم؛ اما بسیاری از آنها دست کسانی بود که نمی‌توانستیم بگیریم، یا هزینه هنگفتی از ما می‌خواستند. از این طریق، می‌خواهم از مجموعه‌داران خواهش کنم با فیلمسازان همکاری کنند تا بتوانیم آرشیو غنی و خوبی داشته باشیم. ناگفته نماند که مجموعه کاخ گلستان هم به ما کمک خوبی کردند. یکی از دوستان هم که توپ‌ها و اسلحه‌های دوران مشروطه را در اختیار ما قرار دادند، آقای رضاسرابی اقدام از مجموعه‌داران و سازنده مجسمه‌های ستار خان هستند. آقای عبدالحسین ناهیدی آذر هم از مشروطه‌پژوهانی هستند که متأسفانه چندی پیش فوت کردند و آقای صابر بقال عسگری - از استادان رشته هنرهای تجسمی - در این فیلم خیلی به ما کمک کردند. استاد تاریخ آقای میراسدالله صابری پناهی، خانم نازی اسکندر نژاد، دکتر محمدحسن پدرام، سیروس برادران شکوهی - نویسنده و مشروطه‌پژوه - آقای یونس شیرزاد و خانم نجفی - کارشناسان خانه مشروطه تبریز - از دیگر افرادی بودند که در تولید این مستند به ما کمک‌های فراوان و ارزنده‌ای کردند.

الهام گرفتید؟ سایر منابع شما برای تحقیق‌های تکمیلی فیلم این چه بودند؟

خوشبختانه ما بیشترین منابع مکتوب تاریخی را از دوران مشروطه داریم. وقتی دوران مشروطه در تبریز اتفاق می‌افتد، یک شور و حال انقلابی بین مردم به پا می‌شود. هر کسی بسته به جهت‌گیری ذهنی خود، می‌رود به سمت دیدگاه و رویکرد خودش، و در آن سال‌ها هم دنیا درگیر تب و تاب‌های بسیاری بوده و اتفاق‌های انقلابی فراوان بوده. در ایران هم حضور نیروهای انگلیس و روسیه مطرح شده و به نوعی همه درگیر نهضت مشروطه بودند. یک شخصی به نام محمدباقر ویجویه دست‌نوشته‌هایی داشت - که در همین فیلم هم به او اشاره شده - و من از تاریخ‌نگاری‌های او استفاده کردم. آقای رضا همراز کتاب دست‌نویس ایشان را بازنویسی و چاپ خوبی از آن عرضه کرده‌اند. آقای ویجویه وقایع مشروطه را روز به روز، لحظه‌نگاری کرده. برای نمونه در کتابش نوشته «امروز دیوارها مانند لانه زنبور شده بود، پس که تیر خورده بودند». این منابع و کتاب‌های مشابه دیگر مثل تحقیق‌های آقای سهراب یزدانی، یا آقای عباس قدیمی قیدار و دیگران باعث شد من در آن فضا قرار بگیرم. ولی محوریت فیلم ما، شخصیت ستار خان است از تولد تا مرگ. البته در کنار این روند، به مسائل و رویدادهای آن دوره هم پرداخته شده. به هر حال، تاریخ همیشه اما و اگرهایی دارد و من نمی‌خواستم نظر قطعی بدهم. بنابراین براساس نگاه مردم معاصر، نگاه دانای کل و تحقیق‌های دوهزار و پانصد صفحه‌ای که خانم اکرم السادات ساکت انجام دادند، توانستیم به یک دیدگاهی برسیم و معتقدم کار تمام نشده، بلکه تازه شروع شده. یعنی این فیلم باید پایه‌ای باشد برای آن که وجوه مختلف شخصیتی ستار خان را بشناسیم و به لحظه‌های خیلی دراماتیک ختم بشود و حتی فیلمنامه جدیدی شکل بگیرد.

زمان ساخت مستند ستار خان با شخص یا ماجرای خاصی بر خور داشتید که در فیلم مهم باشد؟

بله. برای نمونه در این فیلم با آقای سامی سردار ملی آشنا شدم که امسال میهمان جشنواره هستند و در فضای جشنواره حضور خواهند داشت. مادر عکس‌های تاریخی، می‌بینیم فرزند کوچکی کنار ستار خان ایستاده که «یدالله خان» نام دارد. آقای سامی، نوه یدالله خان و نتیجه ستار خان است. ایشان در روایت فیلم حضور دارند و در طول مسیری که به سمت روستای محل سکونت ستار خان می‌روند و امروز چیزی از آن باقی نمانده، به خانه‌ای می‌رسند که حدس می‌زنند خانه ستار خان باشد.



قدرت اراده دختری به نام محدثه

عاطفه محرابی در فیلم خواهرم محدثه سراغ یک قهرمان ژیمناستیک رفته که در اثر تصادف دچار معلولیت می شود. این کارگردان از فیلمش، محدثه و اراده او گفته است

زهره عباسی

abbasi2222@gmail.com

زیاد دیده ایم اطرافمان آدم هایی که در زندگی شان سلامت بودند و در اثر یک بی احتیاطی، اتفاق غیر قابل پیش بینی و حادثه ای تلخ دچار نقص عضو شده اند و ناچار یک عمر با این نقص عضو سر می کنند. زیاد هم دیده ایم در میان این آدم ها که زندگی جدید را در قالبی دیگر آغاز کرده اند و بسیاری شان موفقیت های زیادی هم کسب کرده اند. موفقیت هایی که شاید در جریان عادی زندگی شان به آن فکر نمی کردند. دلمان سوخته است، ترحم کرده ایم، تامل کرده ایم به حکمت خداوندی و فلسفه برخی اتفاقات، درس عبرت گرفته ایم، پیش آن ها احساس حقارت کرده ایم؛ چون با وجود نقص عضو موفقیت هایی دارند که ما با بدن سالم هم ذره ای از آن رانداشته ایم، هر حسی داشته ایم اما هیچ کدام نمی توانند لحظه ای که به آنچه درون این آدم ها می گذرد نزدیک شود. به آن در ذهنشان و در خلوتشان می اندیشند و حسی که با وجود شادی که به ما نشان می دهند، تجربه می کنند. عاطفه محرابی هم در مستند «خواهرم محدثه» تلاش می کند به سراغ این حس برود.

با کمی تحقیق کم کم به این نتیجه رسیدم که خواهر محدثه نقش زیادی در زندگی جدید او داشته است. خواهر بزرگ تر تصمیم می گرفت و محدثه اجرا می کرد. آن قدر محدثه را به خود نزدیک می دید که گویا این اتفاق برای خودش افتاده بود.

چگونه به محدثه نزدیک شدید؟

ارتباط با محدثه به دلیل شرایط سنی حساسش بسیار سخت بود و من سعی کردم به او نزدیک نشوم زیرا احساس می کردم اگر به او نزدیک شوم، گارد می گیرد. این ارتباط را از دور و با واسطه خواهرش برقرار کردم.

Brave Effort to Live

Atefeh Mehrabi in her film, 'My Sister Mohaddeseh' has portrayed the life of a gymnast champion who became hand-capped due to an accident. Years have passed and now she practices archery. This short documentary is the story of will-power. In other words, it's about an accident that could happen to anyone, but each person has his/her own way to face it.

محدثه را از کجایم شناختید؟

محدثه دختری یکی از دوستان پدرم بود که من او را پیش از تصادف در جشن تولدش دیده بودم. او در جشن تولدش حرکات ژیمناستیک را به خوبی اجرا می کرد و من همیشه تصویری یک دختر پرشور از او در ذهن داشتم.

چرا تصمیم گرفتید مستند او را بسازید؟

چند سال پس از آن جشن تولد متوجه شدم که محدثه تصادف کرده و هر دو پایش را از دست داده است. آن قدر این خبر برایم دردناک بود که حس می کردم نمی خواهم تصویری که از او در ذهن دارم از بین برود و همین سبب شد که هیچ گاه نروم ببینمش. چند سال گذشت و من یک روز اتفاقی ناچار شدم ببینمش و وقتی او را دیدم متوجه شدم که اتفاقا برعکس آن چه من فکر می کردم با کمک و همراهی خانواده و خواهرش سعی کرده است با این اتفاق مبارزه کند. تصور یک دختر افسرده که زندگی اش را کنار گذاشته اشتباه بود.

با این برخورد ساخت مستند را آغاز کردید؟

بله. برایم جالب شد که چطور یک آدم می تواند با وجود این اتفاق در زندگی اش باز با آن مبارزه کند و زندگی را از نو شروع کند. از دور درباره اش تحقیق کردم و متوجه شدم که خواهرش بسیار به او کمک کرده است و با هم سعی کردند یک زندگی جدید را شروع کنند.

چه چیزی را می خواستید از زندگی او نشان دهید؟

هدف من در فیلم این نبود که حرف شعاری بزنم و بگویم که مثلاً یک فردی که در ژیمناستیک موفق بوده با وجود این اتفاق سخت دوباره موفق شده است. برایم اهمیت داشت که این آدم دوباره چطور شروع کرده است؟ مهم نبود پایانش چه می شود و همین شروع دوباره از شمن بود حتی اگر به شکست بینجامد. محدثه در سن ۱۴ سالگی این اتفاق را تجربه کرد.

نقش خواهر محدثه چه بود؟

نام فیلم: میراث مجید

کارگردان: مصطفی آتشمرد

درباره فیلم: میراث مجید مستندی است درباره شهید مجید شهریاری دانشمند فیزیک هسته ای کشورمان. دکتر مجید شهریاری صبح روز دوشنبه ۸ آذرماه ۸۹ در بلوار ارتش مورد سوء قصد قرار گرفت و شهید شد. او فارغ التحصیل مهندسی برق - الکترونیک دانشگاه امیرکبیر، کارشناسی ارشد مهندسی هسته ای دانشگاه صنعتی شریف، دکترای علوم و تکنولوژی هسته ای دانشگاه امیرکبیر و استاد فیزیک دانشگاه شهید بهشتی بود. روایت این فیلم از کودکی تا لحظه شهادتش است که به سبک مصاحبه ای و با استفاده از عکس ها و فیلم های آرشیوی روایت شده است.



به یاد

شهید هسته ای

روایت آتشمرد

از میراث مجید

فیلم میراث مجید پنجمین مستند من است که روایتی است از زندگی شهید مجید شهریاری از دوران کودکی، مدرسه، دانشگاه تا مرحله ای از زندگی اش که به درجه رفیع شهادت می رسد. شهید شهریاری جزو اساتید برتر کشور بود و به خاطر اینکه یکی از دانشمندان بزرگ هسته ای به حساب می آمد توسط دشمنان ترور شد. این فیلم به سفارش دانشگاه شهید بهشتی و به مناسبت مراسم سالگرد این شهید ساخته شد. برای همین کار کمی با عجله به سرانجام رسید و اگر فرصت بیشتری داشتیم، با استفاده از تصاویر آرشیوی هم کیفیت کار بالاتر می رفت و هم زمان آن بیشتر می شد. این فیلم مصاحبه محور است و در بخش هایی از آن نیز از تصاویر و عکس های آرشیوی استفاده شده. در بخش دوران کودکی و دبیرستان با خانواده شهید شهریاری گفت و گو انجام دادیم و در دوران دانشگاه با اساتید او مصاحبه کردیم. از مشکلاتی که در این میان وجود داشت اینکه نمی توانستیم با تعداد زیادی از اساتید هسته ای به خاطر محدودیت های امنیتی مصاحبه و گفت و گو انجام دهیم. همچنین متأسفانه با کمبود تصاویر و فیلم های آرشیوی مواجه بودیم و تصاویر نیز به موقع از طرف همسر ایشان به دست ما نرسید. در این فیلم شهید مجید شهریاری به عنوان دانشمند فیزیک هسته ای معرفی می شود و این را نشان می دهیم که بعد از ترور نام ایشان بر سر زبان ها می افتد در صورتی که قبل از شهادت ایشان فرد بزرگی بود. همانطور که اساتید و دانشمندان بزرگی همچنان وجود دارد که در قید حیات هستند و بد نیست که کمی به آنها تا زمانی که زنده هستند پر و بال داده شود و نامی از آنها به میان بیاید.



Kind Melodies of a Shepherdess

'Wife Khadijeh and Her Flock' is the story of a woman who lives in the middle of the woods and is not willing to leave there, despite the forestry's insistence. Amir Shokrgozar, the director, says: "Khadijeh is a different and strong person. She is a woman who not only plays flute for her flock, but also for everyone else. At the age of 75, she is still taking care of her old and feeble mother, an 85-year-old brother-in-law and her son who has lost his wife. She lives in a way that everyone misses her, although she is poor." The 64-year-old documentary filmmaker (who is also a retired woodsman) believes his work is a poetic narrative of a woman's pure life.

روایت شاعرانه از زن جنگل نشین

روایت امیر شکرگزار از مستند «خدیجه نی زن ورمه هایش». این داستان، روایت زندگی زنی است که وسط جنگل زندگی می کند و با وجود اصرار جنگل بانی حاضر به ترک آن جانیست

بنت الهدی صدر

s.b.sadr@gmail.com

امیر شکرگزار ناوی، پس از بازنشستگی از شغل محیط بانی به مستندسازی روی آورد و این فعالیت را به صورت تجربی و بر اساس دغدغه اش دنبال

می کند، طوری که حتی سختی مسافت راه، پستی و بلندی های جنگل، برف و باران گاه و بی گاه و خیلی مشکلات دیگر نمی تواند مانع او برای ادامه کار شود. حرف های او درباره مستند جدیدش خواندنی است.

می کند. شکرگزار علاوه بر طبیعت، روابط انسانی و رمزگشایی از تفاوت های زندگی ماشینی و زندگی مردمان طبیعت نشین را دغدغه خود می داند. او دلیل علاقه اش به مستندسازی را بازسازی مشاهداتش در زمان جنگل بانی عنوان

حرف های شنیدنی آقای محیط بان

پای حرف های کارگردان مستند «خدیجه نی زن ورمه هایش» که بنشیننی، حرف برای شنیدن بسیار است. به قول خودش: «محیط بان که باشی، کافی ست وقتی گوشه ای نشسته ای و حواست به اطراف است، به آن هایی که با طبیعت خو گرفته اند و دل به حال و هوای بکرش سپرده اند بیشتر توجه کنی. مردمی که وقتی سردشان می شود، خیلی زود آتشی برپا کنند و خودشان را گرم. وقتی هم که سردرد و دلشان باز می شود، زندگی هایشان را به همان بکری طبیعت و جنگل، بازگومی کنند.»

رمز و رازی نی خدیجه

زن جنگل نشین این مستند، چوپانی ست که نی می زند و با صدای سوزناک سازش، رمه را آرام می کند و تسکینی بر دردهای اطرافیانش می شود: «خدیجه متبحرانه نی می زند؛ گویی تمام آنچه بر دلش سنگینی می کند از زبان نی به گوش می رسد، طوری که برای حضورش در جشن های بومی، سرغش را می گیرند تا همه را میهمان نوای خوش سازش کند. او برای همه آنهایی که درد و غم دارند نی می زند و صدای سازش، گرمی خاصی به گردهمایی های روستا می بخشد. او افتخار روستایشان است.»

سختی های یک مستند شیرین

این مستندساز ۶۴ ساله، اثر خود را روایتی شاعرانه از زندگی بی غل و غش زنی جنگل نشین می خواند و تلاش کرده تا انس و الفت و مهر بانی او را از زاویه دوربین به تصویر بکشد: «سخت ترین قسمت کار، زمانی بود که برای تصویربرداری به محل قرار می رسیدم و خدیجه به همراه خانواده اش از آنجا کوچ کرده بود. کوچ اقتضای زندگی جنگل نشینان است؛ برای همین پیدا کردن او در جنگل و یافتن لوکیشنی مناسب یکی از مشکل ترین بخش های ساخت این مستند بود. در

مادرش تعریف می کند: «خدیجه زمان مشخصی را برای دیدن مادرش در نظر نداشت؛ اما از آنجاکه نگه داری از یک زن فرتوت و کهن سال بسیار مشکل است، دوست داشتم جنس این ارتباط را در فیلم جای دهم. گاهی براساس حدس و گمان روزی را انتخاب می کردم. هماهنگ شدن با روال طبیعی زندگی این زن و ثبت کردن لحظه های دنج زندگی اش سخت بود. گاهی زود می رسیدم و گاهی دیر؛ بالاخره دست داد و زمان مناسب فراهم شد. آن روز با دوربین به سمت کلبه اش راه افتادیم. وقتی رسیدیم، من زودتر از خدیجه و برای این که همه چیز را از همان ابتدا و به صورت طبیعی ثبت و ضبط شود جلوتر وارد شدم به کنج اتاق دویدم. باید دوربین را جای مناسبی قرار می دادم. خدیجه به سمت مادرش رفت و گرم صحبت شد. هنوز خیلی نگذشته بود که مادرش با همان لهجه شیرینی که داشت گفت: خچو! (خدیجه) این مرد کیه که اینجا آویزان شده؟! بهش بگو آویزان نباشه و با ما بنشینه...»

جشنواره نوردی خدیجه

حالا شیرین مستند شکرگزار، به همراه ساز دلنوازش راهسپار رقابتی تازه شده است. سینما حقیقت شاید، آغاز جشنواره نوردی مستند «خدیجه نی زن ورمه هایش» در عرصه داخلی و بین المللی باشد.

موقعیت های ویژه و سخت مثل بارش برف به او سر می زد و اگر آمادگی داشت، برمی گشتم و دوربینم را برمی داشتم و دوباره راهی جنگل می شدم.»

چهار سال برای عادت به دوربین

این محیط بان بازنشسته، برقراری ارتباط با جنگل نشینان و جلب اعتماد آن ها را جزو سختی های کار می داند؛ با این وجود از نتیجه کار راضی ست: «چندین سال وقت می برد تا بتوانی به فضای صمیمی زندگی این آدم ها نفوذ کنی؛ دست خودشان نیست. اگر غریبه باشی، آن قدر گرم پذیرایی می شوند که دیگر خودشان نیستند؛ همین موضوع کار را مشکل می کرد؛ باید برای ثبت اصل لحظه هایشان وقت گذاشت. مثلاً سه - چهار سال طول کشید تا خدیجه به دوربینم عادت کرد. ابتدای کار از او عکس می گرفتم. نمی شد از بدو کار با دوربین فیلمبرداری شروع کرد. خیلی وقت ها سوزه خوبی برای فیلمبرداری بود ولی دوربین همراهم نبود. خیلی وقت ها مسیری طولانی و سخت را برمی گشتم تا دوربین را بیاورم و او را کار ادامه دهم.»

یک خاطره

سراغ خاطراتش می رود؛ از لحظه مواجه شدن خدیجه و

اصل مطلب

حکایت «خدیجه نی زن ورمه هایش»، روایتی شاعرانه ای است که با تلاش امیر شکرگزار ساخته و پرداخته شد و حالا راهی جشنواره سینما حقیقت شده است: «خدیجه، انسانی متفاوت و استوار است. زنی است که نه تنها برای رمه هایش که برای همه نی می زند. لباس مردانه می پوشد و مرد می شود، لباس زنانه می پوشد و زن می شود و در ۷۵ سالگی، از مادری پیر و فرتوت، برادر شوهری ۸۵ ساله و پسری که همسرش را از دست داده نگهداری می کند. او طوری زندگی می کند که در عین تنگ دستی همه را دلنگ خود می کند.»

فصل مشترک سینمای داستانی و غیر داستانی

آنچه همیشه و درست از همان آغاز در مورد سینما مرا مجذوب خودش ساخته، طرح این پرسش است: دوربین را کجا قرار می دهید؟ به بیان دیگر، شما این توانایی را دارید که از چیزی به نام «زندگی» عکس بگیرید، آن را ضبط کنید، اما چگونه آن را ضبط می کنید؟ از چه منظری؟ اگر بساط دوربین را جایی در خیابان بر پا کنید و عبور چند ماشین گذری را به ثبت برسانید، این ضبط کردن است. اگر بساط دوربین را در گوشه خاصی از خیابان بر پا کنید و تصمیم بگیرید منتظر بمانید تا یک تیپ خاصی از آدم‌ها از برابر تان عبور کنند یا نور از زاویه به خصوصی شروع به تابیدن کند، این تفسیر کردن است. به این ترتیب پای پرسش جالب دیگری را به میان می آورد: کدام یک اولویت دارند - انگیزه ضبط کردن یا اجرا کردن؟ به نظر من هر دو همزمان فرامی‌روند. برای من هر دو شوق منطقی است. بهترین فیلم‌هایی که تا به حال ساخته شده‌اند از «عصب» گرفته تا «یوزپلنگ» سال‌های سال، الهام‌بخش من بوده و مرا شوق آورده‌اند. اما به همان اندازه، تصویری متفاوت از فیلمسازی، از برادران لومیر گرفته تا فردریک وایزمن، الهام‌بخش من بوده و مرا سر ذوق آورده‌اند. حقیقتاً نمی‌دانم کجا یکی آغاز شده و دیگری کجا پایان یافته است. شاید بتوان گفت که نخستین هدف سینما، ضبط کردن زندگی بود، به همان شیوه‌ای که لومیر یادیسون آن را انجام دادند. باین حال، قاب‌بندی لومیرها بسیار دقیق بود - فکر کنم این جمله را گذار گفته که آن‌ها آخرین نقاشان امپرسیونیست بودند. وادیسون هم دلش می‌خواست وقایعی را ضبط کند که واقعا قابل ضبط نبودند، مثل نخستین اعدام بر صندلی الکتریکی. بنابراین، مجبور شد آن را روی صحنه بیاورد. و وقتی آدم درگیر صحنه شد، چرا باید روی وقایع جاری مکتب کند؟ می‌توان به عقب بازگشت و گذشته را به نمایش درآورد. [روی صحنه بردن] همانقدر سائقی طبیعی به شمار می‌رود که ضبط کردن. هر دو از یک قماش هستند. به همین علت است که برای من هرگز فرقی میان داستانی و غیرداستانی وجود نداشته است.

یادداشت



مارتین اسکورسیزی
کارگردان، مستندساز

Martin Scorsese

بوی خوش تدبیر و امید

شیرین نادری، مدیر بخش بین الملل مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی از برنامه‌هایی که برای بخش بین الملل جشنواره امسال در نظر گرفته شده می‌گوید

آیداتدین

aida.tadayon@gmail.com

امسال جشنواره فیلم مستند سینما حقیقت به مدد برنامه‌ریزی دقیق مدیران و دست‌اندرکاران بخش بین الملل، حاوی برنامه‌هایی متنوع و پر بار است. از نمایش مستندهای برگزیده و مطرح دنیا در بخش‌های مختلف گرفته تا مرور جشنواره‌های مهمی همچون «ویز یون دوریل»، «بزرگداشت «هدی هانیگمان» فیلمساز برجسته هلندی و برگزاری بازار فیلم به همراه کارگاه‌های تخصصی در حوزه فیلمسازی مستند، همگی از جمله برنامه‌هایی هستند که با کارشناسی مسئولان بخش بین الملل قرار است دوره‌ای متفاوت از جشنواره مستند سینما حقیقت را رقم بزنند.

معرفی فیلم‌های امروز



گل‌های کوه‌زیتون‌ها
Flowers of the Mount of Olives
۲۰۱۳ استونی
Estonia 2013

هیلاکا پیکوف در دومین مستند بلند سینمایی خود، داستان زندگی یک راهبه ۸۲ ساله به نام خواهر کسنیا را روایت می‌کند که از چار دیواری صومعه‌ای در بیت المقدس فراتر می‌رود و پرتوهای مذهبی را در قالب اثری مینیاتوری و ظریف به مخاطب عرضه می‌کند. این مستند ۷۰ دقیقه‌ای لبریز از تناقض‌هایی عجیب و غریب است که آن را به اثری تحسین برانگیز و درخور توجه بدل ساخته است. کسنیا که احتمالاً در آینده‌ای نزدیک دیگر اجازه حرف زدن نخواهد داشت، ظاهراً از این فرصت برای بازگو کردن قصه زندگی پرفراز و نشیب استفاده کرده است.

2



دو مادر بزرگ خشمگین
Two Raging Grannies
۲۰۱۳ نروژ
Norway 2013

«دو مادر بزرگ خشمگین» یک مستند ۷۸ دقیقه‌ای است که هاوارد بوستنس کارگردانی و نویسندگی آن را به انجام رسانده است. این مستند اثری گیرا و تفکربرانگیز است که ایده جالب مصرف‌گرایی را به چالش می‌کشد. اینکه ما باید به‌طور مداوم خرید کنیم، مصرف کنیم و به این ترتیب حافظه‌مان را اقتصاد باقیمانده، شری و هیندا، دو دوست قدیمی هستند که شهرهای کوچک و بزرگ آمریکا را زیر پامی گذارند تا همه افراد جامعه از افرادی خانمان گرفته تا دانشجویان و اقتصاددانان و غول‌های وال استری‌ت را دعوت به ایجاد تغییر کنند.

1

A New Wave of Hope

In an exclusive interview with Shirin Naderi, the head of International Affairs and Marketing of DEFC, we talked about this year's programs in the section: from holding EDN specialty workshop, the 4th edition of documentary film market to showing high-quality works of documentary cinema and the presence of reputable, well-known international filmmakers, experts and producers in the festival. Naderi believes this year we are meeting a well-organized, qualified festival.

خاطره ویژه جشنواره ۹۲

هفتمین دوره جشنواره بین المللی فیلم مستند سینما حقیقت، سال گذشته با حضور پررنگ میهمانان خارجی و داوران برجسته ای که از کشورهای مختلف دنیا گرد هم آمده بودند، رنگ و بوی دیگری به خود گرفت. بسیاری از این میهمانان نخستین باری بود که به ایران سفر می کردند و حضور مشتاق جوانان و انرژی جاری در فضای جشنواره آنها را شگفت زده کرده بود. پاول پچنکین، فیلمساز روس و مدیر جشنواره فلاهر تیانا، که به عنوان یکی از اعضای هیات داوران در ایران حضور پیدا کرده بود، در این باره

اذعان داشت: «بیان کردن خود و شناساندن تصویری حقیقی از هستی ایرانی ها به جهانیان یکی از مضامین اصلی سینمای مستند ایران است.» رزلا راگاتزی، استاد دانشگاه و مدیر جشنواره نفتا نیز از کیفیت بالای آثار به نمایش درآمده در این جشنواره عمیقاً ابراز خوشحالی کرد. راگاتزی که پیش از این سینمای ایران را از طریق آثار داستانی آن می شناخت، پس از تماشای آثار مستند ایرانی، انرژی نیرومند جاری در فیلم های این حوزه را بازتاب واقعیتی زنده دانست که آینده ای درخشان را پیش پای سینماگران جوان و مشتاق ایران قرار می دهد. همچنین، ماسیژ در یگاس، فیلمساز لهستانی، در اظهارات خود مرز بین سینمای داستانی و مستند را در آثار ایرانی بسیار باریک توصیف کرد و نمایش حقیقت و انسان دوستی به دور از تصنع بصری مرسوم را از ویژگی های برجسته این سینما دانست. دکتر ریچارد پتیگرو، مدیر اجرایی جشنواره بین المللی فیلم و ویدئوی کانال باستان شناسی امریکا نیز «احترام به نیازهای مخاطب سینمای مستند را مستلزم راهکاری جدی عنوان کرد» و تأکید داشت: «من تا حدود زیادی با مستند ایران آشنایی دارم و فیلمسازان ایرانی و آثارشان برای من به هیچ وجه ناشناخته نیستند.» در روزهای آینده نیز گفت و گوهایی با میهمانان خارجی جشنواره هشتم منتشر می کنیم.



۱۲،۱۱ و ۱۳ آذر برگزار شود. همان طور که شیرین نادری در این باره گفت: «مسئله بخش بازار فیلم را در کنار ورکشاپ تخصصی EDN که با همکاری شبکه مستنداروپا برگزار می شود، به برنامه های جشنواره اضافه کرده ایم.» نادری درباره رویکرد این کارگاه های تخصصی تأکید کرد: «آموزش و نحوه ارائه بهینه طرح مستند (یا به اصطلاح Pitching کردن) که در واقع از اصول اولیه پیش از بازار بابتی فیلم به شمار می رود، هدف اصلی برگزاری این ورکشاپ است. به این معنا که مستندساز داخلی باید نظر گرفتن مقتضیات بازارهای بین المللی در مورد نحوه ارائه طرح مستند آموزش ببیند، زیرا در این حوزه ما با مسئله از «طرح تاعرضه» روبه رو هستیم.» این کارگاه های تخصصی در سایر بخش ها با تمرکز بر موقلاتی نظیر بازار آثار مستند، ارائه طرح ها و تأمین اسپانسر بین المللی در روزهای پنجشنبه، جمعه و شنبه (۱۳، ۱۴ و ۱۵ آذر ماه) در فرهنگستان هنر برگزار خواهد شد.

تفاوت بازار امسال

مدیر بخش بین الملل درباره تفاوت های ساختاری چهارمین بازار فیلم بادوره های قبلی گفت: «با توجه به نشست که پیش تر با شماری از افراد متخصص و پخش کنندگان داخلی هم در بخش دولتی و هم بخش خصوصی داشتیم به این جمع بندی رسیدیم که بازار امسال به شکل میزگردهای تخصصی برگزار شود، نه به شکل غرفه.» نادری در ادامه افزود: «سرفصل موضوعی نشست های هر روز از پیش مشخص شده که با حضور میهمانان خارجی و البته کارشناسان ایرانی، پخش کنندگان و افرادی که در زمینه عرضه فیلم و برگزاری جشنواره های داخلی متخصص هستند برگزار خواهد شد.»

گزینه های مهمانان

نادری درباره نحوه انتخاب و گزینش میهمانان این دوره از جشنواره توضیح داد: «کار بین الملل و اصولاً برگزاری یک جشنواره کاری گروهی است. ما فراخوان جشنواره امسال را از بازار فیلم دوره پیشین جشنواره بین المللی فیلم فجر و همچنین بازار جشنواره فیلم کن آغاز کردیم. بیش از سه تا چهار هزار ایمیل به منظور انجام هماهنگی های لازم رد و بدل شد. البته خوشبختانه جشنواره فیلم سینما حقیقت شناخته شده است و خود فیلمسازان و متخصصان خارجی مایل به شرکت در این رویداد هستند و از این موضوع استقبال می کنند.»

هانیکمان در تهران

نادری همچنین درباره برگزاری بزرگداشت هدی هانیکمان اذعان داشت: «او از فیلمسازان برجسته به ویژه در حوزه مستند به شمار می رود و علی رغم مشغله کاری فراوان دعوت ما را برای آمدن به ایران پذیرفت. استفاده از تجربیات گرانبهای هانیکمان در حوزه ساخت آثار تجربی می تواند فرصتی مناسب برای فیلمسازان ایرانی به شمار رود.»

فیلم های اسکاری در حقیقت

به گفته شیرین نادری، جشنواره امسال شامل ۱۴ بخش بین المللی است که در این میان گروه «مستندهای کوتاه»، «مستندهای نیمه بلند» و «مستندهای بلند» در بخش رقابتی تحت عنوان «مسابقه بین الملل» به نمایش در می آیند. «مستندهای ورزشی»، «در قلب شرق»، «زیستگاه ما»، «روزگار ما»، «نوعی نگاه»، «اینه یک جشنواره: ویز یون دوریل»، «مرور مستندهای ژاپن»، «مرور مستندهای هدی هانیکمان»، «جشنواره مردم شناسی استونی»، «پرتره» و «نمایش ویژه» نیز بخش های غیر رقابتی جشنواره را شامل می شوند. نادری در گفت و گو با نشنریه روزانه، فیلم های بخش «نمایش ویژه» را به لحاظ بین المللی حایز اهمیت دانست و عنوان کرد: «این بخش به نمایش فیلم های روز که در اسکار حضور داشته اند یا به طور کل موفق به کسب جوایز بین المللی شده اند اختصاص یافته است.»

جزئیات بازار فیلم

بنابر برنامه ریزی های انجام گرفته، چهارمین بازار فیلم جشنواره بین المللی سینما حقیقت قرار است از ساعت ۱۲ تا ۱۸ روزهای

Introduction to Films



اسطوره خواهی شد
You're Gonna be a legend
لهستان ۲۰۱۳
Poland 2013

«اسطوره خواهی شد» چهارمین مستند بلند مارسین کوژالکا، لهستانی است که بیش از همه او را به عنوان فیلمبردار می شناسند. این مستند ۷۷ دقیقه ای درباره چالش های پیش روی تیم ملی لهستان در رقابت های جام ملت های اروپا است. این تیم که از جایگاه پایینی در رده بندی تیم های اروپایی برخوردار بود برای شرکت در این رقابت ها با شرایط دشواری روبه رو بود. مارسین واسیلوسکی، قهرمان دوم این مستند، قدیمی ترین بازیکن تیم است که پیش از این نامیدی های بسیاری را تجربه کرده، اما به امید موفقیت تیش تصمیم می گیرد تا آخرین لحظه مبارزه کند.

4



دور از غزه
Away from Gaza
ایتالیا ۲۰۱۴
Italy 2014

مستند کوتاه «دور از غزه» را روبرتو کوارتا، روانشناس و فیلمساز ایتالیایی بر اساس زندگی تراژیک دو برادر اهل غزه کارگردانی است. نهله و مصلح زمانی گمان می کردند دست کم در خانه امنیت دارند تا آنکه در ۲۷ دسامبر ۲۰۰۸، در جریان عملیاتی مرگبار در نوار غزه، خانه و زندگی فلسطینی ها هدف بمباران قرار گرفت. چند ثانیه پس از آغاز بمباران شیمیایی، ناگهان دنیا در برابر چشمان دو برادر که در معرض آلودگی گازهای دوزخی قرار گرفته بودند، تیره و تاریک شد. فیلم روایتگر داستان سفر ادیسه وار دو برادر از غزه به رم است که به امید باز یافتن بینایی شان به ایتالیا کوچیده اند.

3

طلوع حقیقت در سینما

آن چه در رسانه های مختلف در آستانه آغاز جشنواره هشتم گذشت

گزارش یک باز پرس

خبرگزاری مهر در کنار انتشار اخبار رویتین گفت و گویی بامحسن خان جهانی کارگردان «گزارش یک باز پرس» انجام داده. خان جهانی درباره فیلمش این طور می گوید: «همه وقایع این اثر مستند است و حتی می توان می گفت یک مستند محض است. این کاری بود که من حدود ۶ تا ۷ سال دغدغه ساخت آن را داشتم؛ زمانیکه با شخصی به نام محمد شهریاری آشنا شدم که حرفه اش باز پرس ویژه قتل بود.»

دعوت به تماشا

خبرگزاری ایسنا به شکلی ویژه اخبار مختلف جشنواره را در یک ماهه اخیر روی خروجی اش قرار داده. روز گذشته هم برنامه کامل نمایش فیلم ها و پیام دبیر را منتشر کرد با این تیترو: دعوتید به تماشای ۲۸۷ مستند برگزیده سینمای ایران.

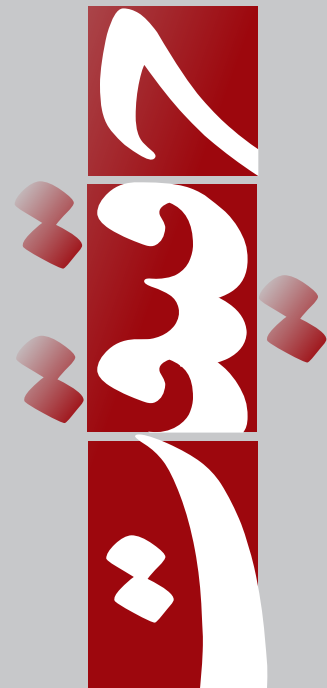
گزیده ای از حرف های آقای دبیر

خبر آنلاین با انتشار گفته های سعید محمد طباطبایی نژاد به استقبال جشنواره رفته: «تالار وحدت سال گذشته ۱۶ میلیون تومان اجاره گرفت اما امسال ۴۰ میلیون از ما می خواهد ما هم صلاح ندانستیم بودجه ای را که متعلق به مستندسازان است برای یک شب برنامه در این سالن بپردازیم به همین خاطر اختتامیه در تالار اندیشه حوزه هنری برگزار می شود.»

در چند هفته اخیر اخبار جشنواره سینما حقیقت جایی ویژه در روزنامه ها و سایت های خبری پیدا کرده و به نظر می رسد این گونه نجیب و دلچسب سینما، جای خود را در رسانه ها به تدریج باز کرده است. حجم اخبار منتشر شده روز گذشته به اوج خود رسید. غالب رسانه ها در قالب گزارش های مختلف کم و کیف جشنواره و فیلم هایی که قرار است در طول یک هفته اکران شود را تحلیل کردند.

از برادران لومیر تا سینما حقیقت

روزنامه جام جم قبل از تحلیل جشنواره، با نگاهی تاریخی سینمای مستند را بررسی کرده است: «تصاویر تاریخ سینما که از سوی برادران لومیر فیلمبرداری شده و نام «ورود مسافران به ایستگاه قطار» را بر خود گرفته، در واقع نخستین فیلم مستند تاریخ سینما نیز هست.» نویسنده در ادامه ریز اتفاقات پیش رو را مرور کرده: «جشنواره امسال با شعار «حقیقت، بهترین راهنماست» که از فرمایشات حضرت علی (ع) است، از امروز به طور رسمی آغاز به کار می کند و سینماهای فلسطین و اسپیده به مدت یک هفته میزبان علاقه مندان به فیلم های مستند خواهد بود. تماشاگران در این دوره می توانند حدود ۳۰۰ فیلم برتر مستند ایرانی و خارجی را در بخش های مسابقه ملی، مسابقه بین المللی، جایزه شهید آوینی، تصویر عاشورا و بخش های جنبی ملی و بین المللی ببینند.»



نشریه روزانه هشتمین جشنواره بین المللی فیلم مستند ایران زیر نظر روابط عمومی مرکز گسترش سینمای مستند تجربی

- مدیر مسئول: محمد مهدی طباطبایی نژاد
- سر دبیر: آرش خوشخو
- دبیر تحریریه: وحید سعیدی
- مدیر هنری: محمد نباتی نژاد
- دبیر اجرایی: مرجان فاطمی

- سینمای ایران: احمد رنجبر
- بخش بین المللی: آیدا تدین
- بخش خبری: محمد صابری
- عکس: حامد خورشیدی

- تحریریه: محمد صادق شایسته
- احمد حجاززاده، زهرا عباسی
- آزاده باقری، شیما انتظاری
- وبنت الهدا صدر
- مترجم: نگار صائغ

- صفحه آرایی: بتسابه کرم پور
- حروف نگار: مسعود عسگری
- ویرایش عکس: امیر علیزاده
- ویرایش و تصحیح: مهی فداپی مقدم

باسپاس فراوان: ابراهیم مختاری و ابوالفضل جلیلی

با تشکر از همراهی: شمیم مستقیمی، لقمان خالدی، رامتین شهبازی، هدیه میر حسینی و علی اصغر لشنی

«تولید مستند» به چه معناست؟

«سینما حقیقت» به روایت فرهاد دور هرام

البته که واقعیت این است بنده اساسا علاقه ای به ساخت چنین مستندی ندارم و احيانا اگر روزی چنین پیشنهادی هم بشود آنرا نپذیریم. تجربه ای هم در این زمینه ندارم. در عین حال ثبت وقایع مرتبط با یک جشنواره سینمایی کار سختی نیست مگر اینکه قرار بر نگاه انتقادی باشد که غالباً طرح ساخت چنین مستندی با نگاه انتقادی مطرح نخواهد شد. به همین دلیل بنده در چنین جایگاهی و در مقابل چنین دعوتی ترجیح می دهم به جای توجه به بحث معرفی یک جشنواره از فرصت گردهمایی مستندسازان استفاده کنم و پای صحبت بچه های مستندساز می نشستم و این سوال را مطرح می کردم که اساسا «معنای تولید مستند چیست؟». بزرگترین مشکل امروز مادر حوزه مستندسازی این است که هنوز نوع و شیوه تولید مستند برای مان نامفهوم است. روشهایی از سالها قبل موجود است که بخشی از آن از تلویزیون پیش از انقلاب به ارث رسیده و به عقیده بنده روشهای درستی هم نیستند. من برای ساخت چنین مستندی ترجیح می دادم به جای گفتگوهای تأییدی و اینکه مدام بخواهیم به یکدیگر «استاد» بگوییم و نظرات همدیگر را تأیید کنیم، خیلی صریح این پرسش را از مستندسازان و تهیه کنندگان می پرسیدم که «تولید مستند یعنی چه؟». بهتر است در این موقعیت که اکثر فعالان مستندسازی حضور دارند کمی درباره این مباحث کلیدی هم صحبت کنیم. اگر مأموریتی برای ساخت چنین مستندی به بنده محول می شد حتما از این زاویه وارد می شدم. در این مسیر سراغ دست اندر کاران سینمای مستند هم می رفتم. ما سالهاست که مشغول تولید مستند هستیم. بهترین شکل این تولید را هم امروز در همین مراکز مرکز گسترش شاهدیم که طی یک سال گذشته تا حدود زیادی جریان مستندسازی ما را نجات داد اما «تولید مستند» با اینکه بودجه ای برای ساخت تعدادی مستند تخصیص داده شود متفاوت است. متأسفانه در تمام این سالها و در ورکشاپ های تخصصی ما هم به این مقوله توجه نمی شود. در مجلات تخصصی ما هم توجهی به بحث تولید نمی شود. هنوز هیچ کس بر روی تاریخچه تولید مستند در ایران کار نکرده است.



مستند فوری

ستون ویژه «مستند فوری» فرصتی است برای روایت مهمترین گردهمایی مستندسازان ایرانی به روایت خودشان. این مختصر بیانه ای است برای ثبت و مرور روزانه هشتمین جشنواره بین المللی «سینما حقیقت» از لنز دور بین مستندسازان. طرح ماز سیدن به طرح کلی ساخت یک مستند درباره «سینما حقیقت» بود. آنچه در این شماره می خوانید ایده استاد فرهاد دور هرام برای ساخت این مستند است.

آمارها و کوردها

بازی با آمار و ثبت رکوردهای خاص همواره یکی از جاذبه های کمی رویدادهای مختلف است. از این منظر جشنواره سینما حقیقت هم در گام هشتم به رکوردهای آماری جالبی دست پیدا کرده است. از این منظر کفایت مروری بر ترکیب کلی آثار حاضر در بخش های مختلف جشنواره داشت باشید تا مثلاً متوجه شوید که در این دوره حضور بانوان مستندساز افزایش قابل توجهی نسبت به دوره های قبل

نکته روز



داشته است. براساس آماري که روابط عمومی جشنواره منتشر کرده است در بخش مسابقه ملی هشتمین دوره جشنواره بین المللی سینما حقیقت، ۱۷ فیلم از ساخته های بانوان مستندساز ایرانی به نمایش درمی آید که این آمار در قیاس با سال گذشته نشان دهنده افزایش ۵۵ درصدی حضور بانوان در سینما حقیقت دارد. نکته دیگر درباره ترکیب مستندسازان حاضر در جشنواره هشتم سهم ۲۸ درصدی مستندسازان شهرستانی است.